



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۶
یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۱ ریال

امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا مجری تروریسم بین المللی

دولت جدید آمریکا، به «ایتکار» ریگان و شرکاء، تبلیغات نوینی را به خدمت گرفته مبنی بر اینکه، منبع «تروریسم بین المللی» اتحاد شوروی است! ضمناً از سخنان مقامات رسمی آمریکائی، از جمله وزارت خارجه آمریکا، معلوم است که منظور آنها از «تروریسم بین المللی» تبلیغاتی است که اتحاد شوروی بسوزد جنبش‌های آزادیبخش انجام می‌دهد و حمایت است که این کشور از مبارزات آزادیبخش خلقها بعمل می‌آورد.

پدینسان، مبارزات مسلحانه رهاکنش خلقهای کشورهای هندوچین، که ابتدا برای رهائی از جنگ استعمار فرانسه و سپس برای رفع تجاوز امپریالیسم آمریکا صورت گرفته، جنگ ضد استعماری خلق الجزایر، مبارزات مسلحانه خلقهای آنکولا، موزامبیک و گینه بیسائو علیه استعمارگران پرتغال، برمسلفانه خلق زیمبابوه بر ضد رژیم ژنرال پرمست روزیا و... بدعوی زمامداران نوین در واشنگتن، حلقه‌های تروریسم بین المللی،

بوده‌اند، که به تحریک و به کمک اتحاد شوروی و دوستانش انجام گرفته‌اند! غرض از این «تفسیر» حوادث تاریخی، قتل تحریف تاریخ مبارزات آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها نیست. غرض از این «تاریخ‌شناسی» زدن برجسته «تروریسم» به تمامی جنبش‌ضد استعماری، ضد امپریالیستی، ضد نژادپرستی و ضد فاشیستی، تمامی جنبش‌های رهاکنش و استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلقهاست، کادر

بر جبهه نبرد روانسی - اندولوژیک - سیاسی نوین امپریالیسم آمریکا علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، علیه جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها، علیه صلح و امنیت بین المللی، زیر عنوان «تروریسم بین المللی»، جبهه نوینی عمیق است. برای شکستن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، در این جبهه نیز، همکاری روزافزون جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها و همه نیروهای صلح‌دوست، دمکراتیک و مترقی با جنبش اصل کمونیستی و کارگری جهانی، ضروری است.

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه‌گذاری
حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۰ اسفند ۱۲۹۹)

رفقای گرامری!
شصتمین سالگرد پایه‌گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان را به شما و از طریق شما، به همه کمونیستها و زحمتکشان جمهوری خلق مغولستان شادباش می‌گوئیم.

کمیسی حزب انقلابی خلق مغولستان رویدادی بود مترگ و تاریخی در زندگی مردم و زحمتکشان مغولستان. خلق مغولستان، به رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی خود و پس از انقلاب خلقی ۱۹۲۹، نه تنها بر میراث شویم فودالیسم و وابستگی عمیق اجتماعی بیره شد، بلکه با جبهی تاریخی، بدون عبور از مشتاق و رنجهای مرحله سرمایه‌داری، به ساختن جامعه سوسیالیستی دست یازید. مردم مغولستان، در این گستره، هوادار از کمپهای همه‌جانبه، جرادانه و اترانسینوالیستی اتحاد شوروی برخوردار شده‌اند.

حزب انقلابی خلق مغولستان پیوسته پشتیبانی خود را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و حزب توده ایران ابراز داشته و پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، نیز به همبستگی اترانسینوالیستی خویش ادامه داده است.
حزب توده ایران، ضمن سپاسگزاری از همبستگی یلدریخ حزب انقلابی خلق مغولستان و خلق مغولستان با حزب ما و مردم ایران، پیروزی هر چه بیشتر حزب برادر را در رهبری مردم مغولستان بسوی تحکیم جامعه سوسیالیستی خواستار است.
اعتقاد راسخ داریم که مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق مغولستان در آینده نیز، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و اترانسینوالیسم پروتتری و بسود خلق‌های دو کشور، تحکیم و گسترش خواهد یافت.

با درودهای برادرانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیراؤل: نورالدین کیانوری

رئیس جمهور در قبال مطالب روزنامه «انقلاب اسلامی»، از خود سلب مسئولیت کرد

استاندار اسفهان، در گفتگوش با خبرنگاری پارس، اظهارات آقای جبرئیل رئیس‌جمهور را در مورد روزنامه «انقلاب اسلامی» و «دشمن‌ها» نقل کرده است. استاندار اسفهان گفته است: «آقای رئیس‌جمهور در مورد مطالب مندرج در روزنامه انقلاب اسلامی و اعلامیه‌های دفتر هماهنگی و کسان دیگری که بطرفداری از ایشان دست به اقداماتی زده‌اند، گفت: من مسئولیتی در قبال روزنامه انقلاب اسلامی ندارم و اینکه مسائل را به دادگاه ارجاع نمائید.» (اطلاعات، ۶ اسفند ماه و دیگر روزنامه‌ها)

حملات هوایی دشمن به دزفول خنثی شد

رزمندگان ایرانی در ادامه نبرد ستاد مشترک ارتش جمهوری با تجاوزگران صدامی، مواضع اسلامی ایران، در اعلامیه ۴۱۸ تازماری به دست آوردند. (په در صفحه ۲)

اجرای بند «ج»

روزی که اعلام شد «فولادپور» موته اجرای بند «ج» قانون واگذاری زمین متوقف میشود، تا در شرایط مساعدتری دوباره آغاز گردد، معلوم شد که اعمال فشارها و تضيقات، جوسازیها و تبلیغاتیکه بزرگ مالکان و خاندانها ترتیب داده بودند، مفاصانه، شترنم واقع شده و انقلاب، به ناچار، اگر چه بطور موقت، دست به یک عقب‌نشینی زده است.
پس از یکدورن پسرغزاش تحقیق و فعالیت‌های هفت‌نفری مامور اجرای قانون - که در فروردینماه ۵۹ به تصویب قلمی شورای انقلاب رسیده بود - عدم‌ترین بخش قانون، یعنی بند های «ج» و «ه» مربوط به اراضی بایر و دایر بزرگ مالکان معملی ماند و در واقع اصلاحات ارضی، که میرفت تازه آغاز شود، در نیمه‌راه متوقف ماند و دچار نشیب شد.

توقیف موقتی بند «ج» جشن بزرگ مالکان بود، علامت آغاز یورش همجانبه آنان بر انقلاب و بن دوستانیان بود. پدیدمی بود که در جشن آنان، همه لیبرالها و آمریکادوستان و زراندوزان و روحانی‌نمایان بنا شادی شرکت کنند. ایقان خود زمینساز این

تعمیر و تحمیل کننده آن، در شرایط تهاجم عمومی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و جنگ تحمیلی رژیم صدام، بودند. متوقف‌شدن فعالیت‌های هیئت‌های هفت‌نفری، عزای میلیونها دهقان زحمتکش بود، و طایفه‌ای که در غم ایقان، که انقلاب و ثمرات آن بسته بودند، همه انقلابیون صدیق، همه طرفداران تمسیر و گسترش انقلاب، کلیه مسئولان متعهد و راندیش جمهوری اسلامی و همه افراد فداکار و مبارز نهادهای انقلابی، بویژه در جهات سازندگی و سپاه پاسداران و نهفت سوادآموزی و البته خود هیئت هفت‌نفری عینا شریک و سیم باشند.
بر تردید اعلام توقیف موقتی بند های «ج» و «ه» به شرایط حساس ناشی از جنگ تجاروی آمریکا بدست صدام و به کشت پائیزه آسفال و به آرامش محیط دهات، که از جانب مخالف معینی تهدید به افشاش میشد، مربوط بود و در عین حال، همانطور که ستاد زمین هم اعلام کرده اصل مسئله همان «فعال فشار و تضيقات» بود که بزرگ مالکان و فئودالها توسط ایادی خود بوجود آوردند.

از آنجا که بندهای «ا» و «ب» بیشتر مربوط میشود به اراضی موات و مصادره شده و مراتع و زمین‌هایی که توسط محاکم استرداد شده، اعلام توقیف موقتی بند «ج»، اگر نه الفاء قانون اصلاحات ارضی، لاکر به انحلال توقف اجرای آن، و اگر نه انحلال هیئت‌های هفت‌نفری، لاقال بمعنای انجماد فعالیت آنها بود. (بند «ج» مربوط به اراضی بایر سابقاً دایر بند «ه» مربوط به اراضی دایر بزرگ مالکی است). روشن است که نمیشد اصلاحات ارضی واقعی انجام داد و نمیشد بزرگ مالکی را الفا کرد، مگر آنکه در درجه اول زمینهای مشمول بندهای «ج» و «ه» را به دهقانان بر زمین و کهرمین داد.
در پیش از سه‌ماهه که از آنموقع میگذرد، مجریه و اوصاف ثابت کرده است که ضدانقلاب بالاترین بهره را از عدم اجرای قانون گرفت، و در برابر مصالح انقلاب و توده مردم زحمتکش، شدیداً از آن زیان دیدند. این تجربه تلخ و این واقعات سنگین بوده‌اند، ولی حال دیگر گریه‌هاست واضح شده است که برای پیشبرد انقلاب لازمست بند «ج» اجرا شود: برای سر به زدن به ضدانقلاب

گزارش نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

درباره برنامه پنجساله اقتصادی
یست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، که روز ۲ اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، به کار خود ادامه میدهد.
در جلسه باامداد روز هشتم اسفند ۵۹ نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی،

در این گزارش آمده است که در برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی، مانند برنامه‌های گذشته، بیش از هر چیز به بالا بردن سطح رفاه زندگی مردم در پیته در صفحه ۲

باره جهات عمده برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی و دورنمای ترقیات اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰ به کنگره گزارش داد.

دو کلمه درباره میتینگ لیبرالها
صفحه ۲

- خواست عمومی و حق میلیونها دهقان زحمتکش را برآورده میسازد.
- جلو جتایات و غارت خونین و عمده مالکین قلدر را میگیرد.
- یکی از پایگاههای اصلی آمریکا و توطئه‌های آنرا از بین میبرد.
- دست مسئولان متعهد را در اجرای برنامه‌های نوسازی کشور باز میکند.
- نهادهای انقلابی را از علاقه و احترام و پشتیبانی میلیونها روستائی برخوردار میکند.
- اصلاحات ارضی واقعی را وارد مرحله اعتلای جدید میکند و بدوران نشیب و عقب‌نشینی انقلاب پایان می‌دهد.

و جلوگیری از توطئه‌های آن لازمست که بند «ج» اجرا شود؛ برای حفظ منافع مستضعفان، که اکثریت عظیم آنان در دهات هستند، لازمست بند «ج» اجرا شود. (په در صفحه ۵)

همزبانی ضد انقلاب ولیرالها

رادیو بختیار
«بر ما کردن خیانتی حزب توده که در دو سال گذشته با رفتن زیر عیای ملایان و حمایت بی چون و چرا از سیاست ضد ملی و ضد مردمی آنها مورد نفرت و انزجار چنگان قرار گرفته است، می‌تواند بهترین وسیله برای جلب مردم باشد»
«همسگانه رهبری حزب توده در صدد است تا بر خیانتها و فرصت‌طلبی‌های خود پرده بکشد» (از برنامه جمعه، ۸ اسفند ۵۹)

دکتر یزدی
«چهار شده است که ادعای یک حزب مارکسیستی مبنی بر خط امام بودن، علیرغم آنکه خیانت، قابل قبول شده است»
«دشمنان انقلاب اسلامی ایران، همان توده فتنه‌ها هستند» (از سخنرانی روز پنجشنبه ۷ اسفند ۵۹ در امجدیه)

رادیو بختیار:
«کاری که غمینی برای توده‌های کرده خود توده‌های هم... نمی‌توانستند»
دکتر یزدی:
«مگر طرفداران حکومت دیکتاتوری پرولتاریا و استالین جز این می‌کردند» (همان سخنرانی)

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دیدارهای لئوید برژنف با سران هیئت‌های نمایندگان

با منگستو هایل - رهبر کاسترو با ماریام، رهبر اتیوپی

لئوید برژنف رهبر کوبا در جریان این دیدار اهمیت بین المللی کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی را خاطر نشان ساخت. کاسترو گفت که اسناد و تصمیمات این کنفرانس برای مبارزه تمام خلقها و نیروهای ترقیخواه جهان در راه دفاع از اسرار صلح و سوسیالیسم حائز اهمیت فراوانی است. رهبران اتحاد شوروی و کوبا در دیدار خود مسائل مربوط به همکاریهای دو کشور و مسائل مربوط به اوضاع کنونی جهان را بررسی و در مورد این مسائل تبادل نظر کردند.

لئوید برژنف متذکر گردید که مردم شوروی نسبت به موفقیت‌های مردم قهرمان کوبا در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی یا نظر ستایش مینگردند. رهبران اتحاد شوروی خاطر نشان کرد که در شرایط کنونی که محافل امپریالیستی فعالیتهای تبلیغاتی و همکاریهایی را تشدید کرده‌اند، اتحاد شوروی پشتیبانی خود از کوبای سوسیالیستی را تأکید میکند و سیاست دولت و حزب کمونیست کوبا را در راه صلح و استحکام میانی دوستی میان خلقها تأیید می‌نماید.

با ساتوس رهبر آنگولا

در ملاقات لئوید برژنف با ژوزه انوار دووش ساتوس، رئیس جمهوری آنگولا، تأیید رهبران دو کشور برای گسترش همکاریها ابراز گردید. رهبران دو کشور بار دیگر همبستگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کار آنگولا - مپال آ را با مبارزه خلقهای ناموسی و افریقای جنوبی علیه استثمار و ترابزهرشی اعلام داشتند.

گزارش نیکلای تیخوف...

است. در این برنامه به تأمین رفاه زندگی و رشد و تکامل همه‌جانبه افراد جامعه و استحکام هرچه بیشتر پایه‌های اقتصادی و توان احداث شوروی در همزمنه‌ها توجه لازم مبذول شده است. رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که محافل سیاسی و اقتصادی واقع بین غرب نیز جنبه‌های صلح آمیز برنامه‌های پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی را یادآور میشوند. در این برنامه یک سلسله اقدامات وسیع و همه‌جانبه برای بالا بردن سطح کشاورزی پیش‌بینی شده است. حجم تولید کالاهای مصرفی افزوده خواهد شد و سیاست تأمین ثبات قیمت‌های خردفروشی و از آنجمله مواد غذایی و خواربار همچنان دنبال خواهد شد. در پنجمال آینده میانگین حقوق کارگران و کارمندان از ۱۳ تا ۱۶ درصد و میزان درآمد مددخانان تعاونیهای اقتصاد روستائی ۲۰ تا ۲۲ درصد افزوده خواهد شد.

زمینه‌های اقتصاد و فرهنگ و بهداشت توجه شده است. در دوران پنجمال آینده درآمد واقعی مردم شوروی ۱۶ تا ۱۸ درصد ارتقاء خواهد یافت. میزان حقوق بازنشستگی و کمک هزینه‌ها به خانواده‌های این فرزندان افزوده خواهد شد. در ۵ سال آینده شرایط مسکن ۵۰ میلیون ازاهار کشور بهبود خواهد یافت. درآمد ملی کشور طی سال آینده ۱۸ تا ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.

رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، حسن ازبایز، تأیید اجرای برنامه پنجمال گذشته اظهار داشت که نسی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۸۰، بیش از ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی جدید در اتحاد شوروی احداث شده‌است. نیکلای تیخوف در گزارش خود گفت که در طرح برنامه پنجمال جدید، با توجه به باززایی نتایج اجرای برنامه پنجمال گذشته، مسائل عملی ساختن جامعه کمونیستی منظور شده

رزمندگان نیروی زمینی، یا اعزام گشتی به یکی از جبهه‌های غرب دزفول، موفق شدند. ضمن اهدای پنجم سنگر، حدود ۱۰ نفر از نیروهای دشمن را مجروح کنند و سالم به پایگاه خود بازگردند. در آتش رزمندگان نیروی دریایی نیز تعدادی از مواضع نیروی عراق در منطقه اشغال شده غرب خوزستان، سر به آتش کشیدند و عدمی از افراد آنها کشته و مجروح شدند. ضمن حلات هوایی دشمن به دزفول نیز، در آتش مقابله مدافعان هوایی شهر، خشتی دشمن مجبور به فرار شده

نیروهای عراقی، سه دستگاه کامیون دشمن به آتش کشیدند و منهدم شد. در روز ۲ اسفند، شهر آبادان که زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت، ۴ شهید و ۲۵ نفر مجروح داد. در یکی از جبهه‌های غرب اهواز، مواضع نیروهای ارتش عراق زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی قرار گرفت که در نتیجه دشمن مجبور به ترک مواضع خود گردید. در این عملیات تلفات و غایبات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد شد.

دولتهای مستقل نوین را برعهده مسکو، گذارنده چیزی نیست جز یکی دیگر از جبهات جنگ روانی که نواستمارگران و محافل حاکمه تجاوزکار آمریکا میخواهند برپا کنند. این جبهه جنگ روانی جدیدی است که باید با مقابله جدی و متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، همه مخالفان جنگ و تجاوز، همه نیروهای استقلال طلب و آزادی خواه و همه کمونیستهای اصیل درهم شکسته شود. اما مواضع اتحاد شوروی، که مستقیماً هدف اتهام تبلیغات دولت جدید آمریکا قرار گرفته. در روزنامه پرونده، به تاریخ سوم فوریه سال جاری (۱۴ بهمن ۵۹) بشرح زیرین اعلام شده است:

تروریسم یکی از مظاهر بعوان اخلاقی - سیاسی جامعه سرمایه‌داری است. این سلاح اوجاع افراطی راست و کثرت تقسیم است برای ایرانضریه بر سازمانها و رجال مترقی. شیوه‌های تروریستی افسراطیون ماوراء چه نظیر «بریکاد های سرخ» در ایتالیا آریه آسباب نیروهای اوجعی می‌زند.

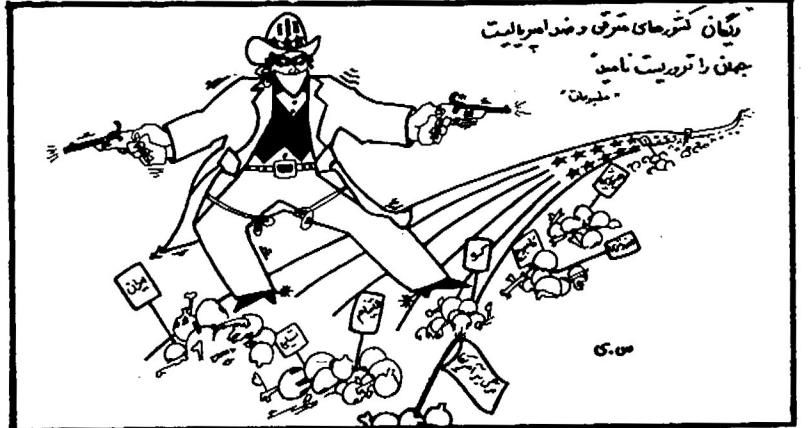
عملیات تروریستی، که مستقیماً از سوی دولتهای امپریالیستی سازمان داده میشوند برای خلفا یوزره خطرناک است. در این زمینه بیست عملیات «خجانیات کارانه افشا شده میهن را در سازماندهی قتل رجال سیاسی بنظر آوریم. و سیاه یک موسسه رسمی دولتی آمریکا است.

هدف از تبلیغات افراطی که یزامون مسئله تروریسم از طرف دولت ریگان در افکار، تحریک تشوذهائی، برانگیزان کردن سیاست خارجی اتحاد شوروی ایجاد سوء عن نسبت به مبارزان جنبشهای آزادیبخش ملی و احزاب کمونیستی است. لذا مقابله جدی با این خرابکاری، نسوین ایدئولوژیک سیاسی امپریالیسم، عقیدات افراطی امپریالیستز تمام دیگر نیروهای که علاقه گرایشهای افراطی و تروریستی، چه راست و چه چپ‌نما، گمان میکنند، از وظایف مهم است.

بنظر ما، جبهه نبرد روانی-ایدئولوژیک - سیاسی نوینی که امپریالیسم آمریکا زیر عنوان «تروریسم بین‌المللی» گشوده، جبهه نبردی جدیدی است. برای شکست امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، در این جبهه نیز، همکاری رزمندگان جنبشهای آزادی بخش و استقلال طلبانه خلقها و همه نیروهای صلح دوست، دمکراتیک و مترقی با جنبش اصیل کمونیستی و کارگری جهانی، ضرور است.

حملات هوایی...

خود عملیات دلاوری ایرانی را در روز ۲ اسفند اعلام کرد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: درجبهه آبادان برائش آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای ایرانی، یک تانک، یک انبار مهمات، یک قنصل نیس-سنگین ۱۰۶ میلیتری و تعدادی از سرنگهای دشمن منهدم تعدادی از افراد آنان کشته و مجروح شدند. همچنین در حملات تهاجمی هلی کوپت هوایی روز به مواضع



وجود دارد و آنرا میتوان از جمله در حمایت آمریکا از رژیم دیکتاتوری خونخوار کره جنوبی بریاست جانوری نظیر «چون» دوخواه مشاهده کرد که مردم را به خون و آتش میکشد و زیر تانک و زرموش نه میکند، به دبره اینکه آنها دیگر نمی‌خواهند زیر سیوغ امپریالیسم آمریکا پس برنند. «تروریسم بین‌المللی» را در صلح دارودسه نظامیان حاکم در السالوادور توسط آمریکا میتوان دید که خلق بیاخته استقلال طلب این کشور را قتل عام میکنند. «تروریسم بین‌المللی» را در چهره پیوتشه فاشیست در نیلی میتوان تشخیص داد که بدست دولت آمریکا، از طریق کودتای نظامی، به خلق نیلی تحمیل شده و این کشور را بصورت تلنگاه استقلال طلبان در آورده است. «تروریسم بین‌المللی» در وجود دولت سوسیالیستی اسرائیل نمایان است که از جانب آمریکا پول و اسلحه دریافت میکند و با اتکال به دولت آمریکا خلق فلسطین را، در سرزمینی که متعلق به این خلق است، کشتار میکند و جنوب لبنان را به کشتارگاه بدل کرده است. نظری «تروریسم بین‌المللی» حمایت دولت آمریکا از رژیم خونخوار آبارتاید در افریقای جنوبی است که بکرات از جانب سازمان ملل متحد محکوم شده، ولی دولت آمریکا و متحدانش مانع از اجرای مجازاتهای مصوب علیه این رژیم سوع می‌شوند. «تروریسم بین‌المللی» را در تجاوز صلح مدام جانی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میتوان رویت کرد که به تحریک آمریکای جنایتکار انجام گرفت و تاکنون هزاران کشته و دهها هزار ملول و مگدا هزار آواره جنگ، حاصل آن است. «تروریسم بین‌المللی» را در گروه‌های تروریستی افغانی میتوان دید که در خاک پاکستان یوسیه عمل فسیه و ماموران نظامی آمریکائی و چینی تعلیم می‌بینند و صلح می‌شوند و به افغانستان اعزام میگرددند و در این کشور به جان و مال و ناموس مردم تجاوز میکنند، بقصد اینکه شاید بتوانند دوباره افغانستان را به زیر یوغ امپریالیسم بکشند. آری، تمام رژیمهای دیکتاتوری درنده و تروریستی، تمام گروه‌های تروریستی در سراسر جهان، از حمایت مستقیم دولت آمریکا برخوردارند. هیچ تجاوز مسلحی بر خلقها و برای سرکوب خوین جنبشهای استقلال طلب و آزادی بخش نبوده است که از سوی امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا سازمان نیافته و یا مستقیماً اجرا نشده باشد. (جنگ تیسوازی بربرمنشانه بر ضد ویتنام، تهاجم به لبنان، تهاجم به جمهوری

دومینکن، تهاجمه کوبا، مذاخله مسلحانه در ژنیر و... قهرست این تجاوزهای جنایتکارانه دراز است.) هدف از تبلیغاتی که دولت ریگان زیر علم «تروریسم بین المللی» بهراه انداخته، هسان هدفی است که دولت کارتر زیر عنوان «حقوق بشر» به راه انداخته بود و این هدف سیاسی است. هدف از آن توجه تقش زاندارم دولت آمریکا برعهده گرفته است. هدف جستجوی دستاویز برای تقویت حضور نظامی آمریکا در مناطق کشورهای رشد یابنده، تشدید مبارزه، از جمله مبارزه مسلحانه، علیه جنبشهای آزادی بخش ملی و جنبشهای ضد-امپریالیستی، جدا کردن جنبشهای استقلال طلبانه و آزادی بخش از دوستان طبیعی آنها، از کشورهای سوسیالیستی، و نه فقط از کشور های سوسیالیستی، بلکه از هر نیروی است که با خلقهای رزمنده استقلال طلب همبستگی نشان دهد.

دعوی ریگان، هگ و دیگر نمایندگان امپریالیسم آمریکا، که کوبا جنبشهای آزادی بخش و تشکیل کشورهای مستقل بر روی ویرانه‌های مستعمرات امپریالیسم، دکار مسکو است، اهانتی است بیشرمانه به همه کشورهای مستقل و به همه خلقهایی که در راه استقلال خویش می‌رزمند و به اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، نبرد دلیرانه و فداکارانه خلقهای جهان طی سالان دراز، که توام با تحمل انواع مصائب بیکری شده، باعث تلاش شدن سیستم مستعمراتی امپریالیسم گردیدند. امپراطوریهایی استثمارگر را برای همیشه به زباله‌ها تاریخ افکنده است. این نبرد نادر عظیم همچنان هر روز با ایاماد گسترده تری، ادامه دارد و تا به استقلال و آزادی کامل واقعی همه خلقها و کشورها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و غیره منجر نگردد، آنی متوقف نخواهد شد. این روند تاریخی قانونمند رشد جامعه بشری است. دولت آمریکا، بعنوان نیرومندترین دولتهای امپریالیستی در سدد جلوگیری از این روند غیر قابل جلوگیری است. دولت آمریکا در این تلاشی و تقابل بر خور دارند. هیچ تجاوز مسلحی بر خلقها و برای سرکوب خوین جنبشهای استقلال طلب و آزادی بخش نبوده است که از سوی امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا سازمان نیافته و یا مستقیماً اجرا نشده باشد. (جنگ تیسوازی بربرمنشانه بر ضد ویتنام، تهاجم به لبنان، تهاجم به جمهوری

امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱
حال حاضر جریان دارد. به نظر ریگان، هم مبارزات سازمان آزادیبخش فلسطین برای داشتن کشور و دولت مستقل «تروریستی» است، هم رژیم خستنی و انقلاب ایران «تروریستی» است، هم مقاومت خلق ناموس در برابر اشغالگران فاشیست افریقای جنوبی «تروریستی» است، هم اشغالگران فاشیست افریقای جنوبی ضد فرادهرستی در خود افریقای جنوبی «تروریستی» است، هم نبرد قهرمانانه میان پرستان السالوادور علیه رژیم نظامی-پلیسی دست نشانده آمریکا «تروریستی» است - و همه اینها «تروریسم بین‌المللی» است که ساخته و پرداخته مسکو است! اگر کسی این «منطق» راه که سرگانگسترهای بین‌المللی عرضه می‌کنند، بپذیرد، آنگاه باید قبول کند که تمام روند تاریخی مبارزات آزادیخواهانه - استقلال طلبانه «تروریسم بین-المللی» است، از جمله با یسد قبول کند که جنگ استقلال مردم آمریکا در قرن هیجدهم برای رهائی خویش از سیوغ انگلستان نیز اقدامی «تروریستی» بوده است که گناه آن برعهده انقلابیون انقلاب کبیر فرانسه است!

ولی هیچ بیغرضی چنین «منطقی» را نمی‌پذیرد و نمی‌تواند بپذیرد. و اما در مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزات آزادی بخش خلقها، بجاست خاطر نشان شود که این حمایت منطبق با متن و روح حقوق بین‌المللی است. در منشور سازمان ملل متحد، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، برابری حق ملل و منع تبعیضات نژادی تصریح شده است و نیز قلمنامه مصوب پانزدهمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰، استثمار و برتری نژادی را غیر-قانونی، و از لحاظ حقوق بین-المللی، بزه‌کاری شناخته و استقلال را حق مسلم دانسته، که باید به کشورها و خلقهای استثمارزدمو افکار شود. همچنین قلمنامه‌های پرشماری در سازمان ملل متحد تصویب گردیده‌اند که در آنها مبارزه خلقها برای کسب استقلال حق قانونی آنها مشمرنه شده است. در نونی مشخص و جالب، سازمان آزادیبخش فلسطین است، که دولت آمریکا آنرا سازمان «تروریستی» اعلام داشته، ولی این سازمان بعنوان ناظر در سازمان ملل متحد کرسی دارد و بعنوان یگانه نماینده خلق عرب فلسطین شناخته شده‌است. از سوی دیگر باید گفت که «تروریسم بین‌المللی» در واقع

درباره

استقلال و وابستگی، دوستان و دشمنان انقلاب

زیرا ما به لزوم دوستی با اتحاد شوروی متقاعد شدیم ما به ما در این زمینه صادق هستیم و این دوستی را حفظ می‌کنیم، زیرا هدف‌های مشترکی داریم. اتحاد شوروی و لیبی دشمنان مشترکی دارند و این دشمنان امپریالیسم و صهیونیسم هستند.

چرا سرمقاله یونس روزنامه "انقلاب اسلامی" این جملات امروز قذافی را، که تره بی‌خا یک دهه کشورداری و تجربه دشوار نبرد جدی ضد امپریالیستی است، نقل نمی‌کند؟ صد البته این سخنان برای سرمقاله‌نویس "انقلاب اسلامی" مانند پتکی می‌نماید، زیرا دوستی شوروی الجزایر و جنبش آزادیبخش فلسطین و... پتکی است بر سر همه سازشکاران و تسلیم طلبان، که می‌خواهند مهبان ما را به سوی آمریکا بکشند، و خط برزیل‌سکی را پیاده کنند، پتکی است نیرومند بر سر دسایس آمریکا، که می‌خواهد نفاق آفریند و انقلاب‌ها را از سخت ظمی آن‌ها محروم سازد. آری، این دوستی به‌سبب‌های گوناگونی بدست آمده است و هرکس انقلابی واقعی است نمی‌تواند خود را از این تجربه گرانها مستثنی جلوه‌گر سازد. اسد و قذافی و عرفات و... بگاندی مکتبی با اتحاد شوروی نداشتند، نداشتند. صداقت انقلابی و نبرد مشترک، آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کرده است. تجربه تاریخی درگرمای گرم این نبرد مرک و زندگی به آنها نشان داده است که می‌توان هم دوست شوروی بود و هم مستقل ماند. آن‌ها به تجربه خود دریافتند که وسیع استقلال بریدن هم‌رشته‌های وابستگی همین دوستی بی‌شائبه و برابر حقوق است.

لیبرال‌ها از چه می‌ترسند؟

ایران انقلابی هم باید تجربه کند. ایران انقلابی هم اکنون تجربه می‌کند. و این تجربه، آهسته و ولی مطمئن، بدون صحنه‌سازی، ولی بی‌گرم، به هرکس که انقلابی صدیق و ضد امپریالیست واقعی باشد سودگاش را غبار قدرت با قشریت باستان‌نکرده باشد، ادها چیزی را نشان خواهد داد که اسدها و قذافی‌ها و عرفات‌ها به آن متقاعد شده‌اند. تجربه، چیز نیکیوست است.

لیبرال‌ها درست از همین می‌ترسند: از کسب تجربه توسط انقلابیون صدیق و ترک پیشداوری‌ها و بر باد رفتن نقشه آمریکایی‌ها. سوز که، قاعدتا این کسب تجربه نباید سال‌های زیادی طول بکشد. تجربه‌های موریاتوار فرست کننداردرون، انقلاب را، بیوسانند. نباید زیاد طول بکشد، زیرا که درات در استفاده از تجربه، دیگران نیز هست، زیرا نفس ترازون نیروها در صحنه جهانی بسیار آسکارتر از دمسال و یابردمسالین عمل می‌کند، و بی‌تردید این اعتماد در انقلابیون صدیق ما وجود دارد که، باید تا دیر نشده، انقلاب را، استقلال را، دوستی را، نجات داد و ریشه‌های وابستگی را کند.

تمام ترس سرمقاله‌نویس "انقلاب اسلامی" از همین روند است. او به جانب ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) می‌کند و می‌خواهد که دیگران ۱۹۸۱ (۱۳۵۹) را فراموش کنند. او به گفته‌های اساره می‌کند که، حالا، بر لبان انقلابیون صدیقی که زمانی آن را گفته‌اند، لگندنی تلخ می‌آورد. و وقتی می‌شنوند که ما هم نظار آن‌را می‌گویم، با حرارت دوستانه و با اطمینان به قدرت صداقت انقلابی ما، می‌گویند: "ما هم زمانی همین چیزها را می‌گفتیم!" ترس لیبرال‌ها و ماژوکست‌های صحنه در صحنه:

منطقه و خود ماست که ما را بر آن می‌دارد که اولاً، برخلاف نوشته سرمقاله "انقلاب اسلامی"، بین روسیه تزاری و اتحاد شوروی فرق بگذاریم، فرقی به عظمت انقلاب کبیر سوسیالیستی، و ثانیاً به تجربه می‌دانیم که نقش آن کشور واقعا "هم انقلابی است واقعا هم ضد امپریالیستی است، واقعا هم ضد صهیونیستی است. هر نیروی صادق ضد امپریالیستی و انقلابی بر سراسر جهان، گواهی می‌دهد که در نبرد آزادیبخش خود عملاً از پشتیبانی اتحاد شوروی سر-حوردار بوده و هست. ما در این زمینه البته به گفته - های جمال عبدالناصر، حافظ اسد، بومدین، معمر قذافی و دهها رهبر جنبش ضد امپریالیستی و استقلال طلب بیشتر باور داریم، تا به ادعاهای بیرون خط برزیل‌سکی و طالبان حکومتی "معتدل" و "میانه‌رو"، که از انقلاب "پشیمان" شده‌اند.

در دوره نبرد مستقیم با تجاوزگران صهیونیستی اسرائیل قرارداد، چه خوبی می‌داند که اتحاد شوروی چه نقش ضد صهیونیستی عظیمی در عمل ایفا می‌کند و چقدر کمک‌های بی‌شائبه و پر شمار سیاسی و اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک او در این زمینه موثر است.

ما در این زمینه البته به سخنان و گواهی‌های یاسر عرفات و جمیلاط و فاروق قذومی و به تجربه "روزمره" صدها هزار مبارز فلسطینی باور داریم، نه به ترهات لیبرال‌هایی که در خط آمریکا قدم می‌زنند و از بورس اسرائیل و سفر به تل‌آویو هم چندان بدشان نمی‌آید.

آری، خلق‌ها میزان اند و گواهی آنها، دیر و با رود، به‌گوشی آن‌کسانی هم که تا کنون برسیده - اگر بخواهند گوش شنوایی داشته باشند - خواهد رسید.

در معنای تجربه، دوستی‌ها باید آیدله شود و استقلال تحکیم یابد

این آگاهی به نقش دوستی‌ها در صحنه خارجی، آسان و به یکباره بدست نیامده است. زمانی - گاه طولانی - و تجربه‌های گاه تلخ - لازم بوده است، تا خود این نیروهای صدیق بی‌برند که دوستانشان در کجا هستند و چگونه از آن‌ها با تمام قوا حمایت می‌کنند، چون عملاً در یک سنگر هستند.

جنبش آزادی بخش فلسطین، تدریج، از زوره راه‌های صمومت، دشنام، جدایی و نابودی گذشت، تا با تجربه خود فهمید که اتحاد شوروی دوست صدیق اوست و می‌تواند، بدون بیم از وابستگی، با آن همکاری کند و همانند یک دوست و یک هم‌رزم با او رفاقت داشته باشد.

جمال عبدالناصر فقید، رهبر نهضت ضد امپریالیستی مصر، در آغاز پراشت، یگلی سردرگم بود و مغایرت بین روسیه و انگلیس (صاحب آنوقت کانال سوئز و استعمارگر اصلی مصر) نمی‌گذاشت. مدت‌ها طول کشید تا ضمن تجربه طولانی گورداری و سه نیروی صداقت انقلابی، بر تاجر، یکسو نگری و قشری‌گری فائق آمد. او و نهضت ترقی خواه مصر بی‌برند دوست می‌توان و باید با اتحاد شوروی دوست بود، بدون آنکه کمترین رد و انتری از وابستگی باشد، تا نبرد ضد امپریالیستی را به پیش برد. و این دوستی و همکاری "ابدا" به استقلال مصر لطمه نمی‌زند که هیچ، ضامن آن نیز هست. معمر قذافی، رهبر لیبی، سال - های متمادی علامت تساوی بین کمونیسم و امپریالیسم می‌گذاشت.

تحکیم دوستی با جنبش آزادیبخش فلسطین، که با آن همه گرمی آمیختن شروع شده بود، سنگ اندازی کردند و بی‌تأثیر هم نبوده‌اند. اما حالا که گروه‌های معرفی انقلاب ایران به کشورهای مختلف سفر می‌کنند، به خوبی دیده می‌شود که ایران انقلابی چه دوستان پایدار و متشقی در جهان دارد و چگونه - به‌گوشی چشم خرابکاران و سازش طلبان - از انقلاب ما حمایت می‌کنند و در نبرد در در روی ما با توطئه‌های آمریکا، پشتیبان و همراه ما هستند.

نویسنده سرمقاله، "انقلاب اسلامی" می‌نویسد: "حزب توده دانشا در روزنامه اش تبلیغ می‌کند که می‌توان هم مستقل بود هم دوست روسیه". نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی" با این نظر مخالف است (و این مخالفت در واقع از آن تئوری عالمانه "ای سرچشمه می‌گیرد که در جهان کنونی هرگونه استقلالی را غیر ممکن می‌شمارد و برای وابستگی ناچار به آمریکا، شالوده عقیدتی (!) فراهم می‌سازد).

دانشا چاق دوستی لیبی و الجزایر و سوریه را با شوروی بر سر هرکس که در دوستی روسیه تردید کند، فرود می‌آورد و وقتی روسیه را در خواهر - میانه نقش انقلابی، ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی نشان می‌دهند، در واقع هم ما مستقیم می‌توانیم، هم با همسایه خود مان اتحاد شوروی دوست باشیم و در همین حال استقلال کامل و بی‌خدا خویشترا حفظ کنیم. ما مستقیم که دوستی ایران انقلابی با اتحاد شوروی سوسیالیستی هیچگونه وابستگی بوجود نخواهد آورد (وابستگی بهمان همنایی که بارها توضیح داده‌ایم و نقطه مقابل استقلال است، و نمونه بارز این وابستگی رژیم منحوس شاه بود) ما مایهت دو کشور و تجربه تاریخ پونونه سایرین اثبات این مدعی است. درد بدرمان آقایان لیبرال‌ها که مگوشا ستر همگاری "معقول و منصفانه" با آمریکا هستند، اینست که همه فهمیده‌اند دوستی با آمریکا بدون تک و شبیه منجر به وابستگی خواهد شد و تجربه تلخ خودمان و نمونه سایرین گواه حونین و بردرد است. برای مطالعه این درد بدرمان، آن‌ها می‌گوشند یک چیز ثابت نشدنی را ثابت کنند و آن اینست که، اولاً دوستی با شوروی هم، منجر به وابستگی می‌شود، ثانیاً شوروی هم دشمن ماست، ثالثاً چاره‌ای جز وابستگی نیست. پس حالا که سترار است وابستگی معانیم، آیا "معقول تر" "معتدل تر" نیست که آمریکا را انتخاب کنیم؟! (هرچه باشد سال - هاست روابطی با آنها داریم، گردش سالیانه در آنجا چندان هم بد نبود، مقادیر ناقلی هم سرمایه و پیرانداز آنجا داریم، برخی‌ها مان هم کارت سیزی، اجازه اقامتی و حتی ورسه تابعیتی داریم، چه مرضی است که وابسته به شوروی بشویم که نه‌گایارم - های تاشایی دارد، نه فارخانه در آن دایر است، نه ساط غیش و گذران آنجانی می‌توانیم در آن بکشیم، نه ویلا و مزرعهای می‌توان در آن خرید و شریک و سهم شد... آری، "شایسته" و "معقول" است که آمریکا را انتخاب کنیم!)

این از طرز تفکر و "استدلال" باطنی آقایان لیبرال‌ها.

اما در مورد اتحاد شوروی و نقش آن در خارومانه، این مانسیم که می‌خواهیم آن را "انقلابی و ضد - امپریالیستی و ضد صهیونیستی" نشان دهیم. این واقعیت زندگی حلقهای

نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی"، روز ۲۰ بهمن ماه ۵۹، با توسل به نام تحریف تاریخ خواسته است اندیشه‌های اصلی لیبرال‌ها را بار دیگر القا کند و بویژه انقلاب ما را از چسبن و یافتن دوستان صدیق، که در یکبار قصد امپریالیستی یاور و هم‌رزم ما باشند، محروم سازد و به نوعی نسخه مازده توسط برزیل‌سکی را، کماکنون نیز کلا صادق است بپیچد. ما به مطالب مختلف می‌پایه مقاله کاری نداریم، ولی مسائل اساسی و از همه مهمتر استقلال میهن و دوستان و دشمنان آن را، که در این مقاله مطرح شده است، قابل بحث می‌دانیم و نظری به آن را سودمند می‌شمریم.

دوستی با دوستان یک عمل انقلابی و استقلال طلبانه است

شناخت دشمن اصلی و جنبه دشمنان انقلاب، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلابیون ماست. یکی از علل عمده پیروقت مطمئن و پایداری انقلاب و بر ملا کردن و عقیم ساختن توطئه‌های پستی آمریکا و دستیارانش، چه در داخل و چه در خارج، همین است که انقلاب توانسته است دشمنان خود را بدرستی بشناسد. در این زمینه تجربه و آگاهی مردم ما تا بدانجاست که آقایان لیبرال‌ها برای مخفی کردن سبهای دشمن، مستمسک بر ستاند، می‌گویند. ظاهراً خودشان هم کم و بیش بی‌برده‌اند که فریب مردم در این زمینه، کار آسانی نیست و بناچار گاهی برای حقنه کردن سایر فرمایشات خویش، جملاتی را شرمکن جویده و جویده در دم آمریکا و سیاست‌های امپریالیستی اش می‌گویند، تا از قافله عقب نمانند و اگر چه جادو صاف کسن درز هستند، خود را همراه کاروانیان جا بزنند.

اما آنها اگر در برابر این نقطه "انقلاب، بیچاره و درمانده‌اند، از یک نقطه ضعف بخشی از انقلابیان دارند سوا استفاده می‌کنند و تمام نیروی خود را فعلا در اینجا متمرکز کرده‌اند. و آن نقطه ضعف اینست که: ما بهمان اندازه که دشمنان خود را در خارج و داخل، بخصوص خارج، شناخته‌ایم، هنوز نتوانستیم دوستان و متحدین خود را در داخل و خارج بشناسیم و در یک صف واحد با آنها شریک مساعی کنیم و همراه با هم علیه دشمن مشترک نبرد کنیم. از این تقیسه، لیبرال‌ها بهره‌گیری بسیار کرده‌اند و می‌کنند.

در صحنه داخلی با ناسرا، توهین و افترا و شائناز و ارباب می‌خواهند صف انقلابیون را از هم بپاشند و کاری کنند که آنها اتحاد و نزدیکی، تفاهم و همکاری نداشته باشند. آنها خود به "القا" ایدئولوژی، منظور "القا" وحدت عمل در نبرد ضد - امپریالیستی می‌پردازند و می‌گوشند کاری کنند که حتی یکی در دام افتد و به دیگری توهین و حمله کند و برای مبری ساختن خود از اتهامات، بسا به دلخواه نفاق افکند تا آقایان لیبرال - ها، دیگری را تحطه کنند.

در صحنه خارجی هم فعالیت خطرناک آنها در همین جهت ایجاد بدبینی و سوظن و جد کردن انقلاب ایران از دوستان و متحدین بالقوه و حتی بالفعل است. آنها متافسانه موفق هم بوده‌اند. بسا از یک کسالت نیم ایران نتوانست دوستان و متحدین خود را حتی در بین کشورهای مسلمان منطقه بیاید، یا نگذاشتند که بیاید، لیبرال‌ها برای پیشبرد سیاست خود، از این وضع، که خود در ایجاد دشمن عمده را داشتند، سود فراوان بردند و ایران را "مزوری" قلمداد کردند و "القا" کردند که اگر سیاست انقلابی ادامه یابد، در جهان تنهای تنهای حوایم شد! آنها حتی دوستی با الجزایر و لیبی و سوریه را تا همین اواخر به تعویق انداختند و در راه

هنوز کارفرماها حق تو ندارند؟!

به حق مسلم کارگران اخراجی کارگاه مصالح فروشی «جاوید» رسیدگی کنید!

کارخانه تولیدی
وزارت کار و امور اجتماعی

بردی که یک سال از اخراج
غیرقانونی امیر رفیعی، ولی اله غم انگیز
محمود بورصفری، علی اکبر فلاح
مؤید دوست و نصرت عادل، کارگران
مصالح فروشی جاوید در شهرستان قومن
می گذرد. با توجه به صدور حکم قطعی
اداره کار و امور اجتماعی استان گیلان
مبنی بر پرداخت حقوق مسلم کارگران
ناگنون در این باره اقدام حادی عمل
نیامده است.

این کارگران هر کدام از دوازده
تا بیست و شش سال برای کارفرمای کارگاه
جاوید، در بدترین شرایط، با تحملا
همه سختی های ناشی از کار دشوار، به
علت درخواست استفاده از مزایا و حق
بیمه، با خشم و غضب کارفرما مواجه
شدند. ناگفته نماند که کارگران همگی
در تاریخ ۵۷/۷/۲۹ رسماً بیمه شده و
مرتاً حق بیمه خود را نیز پرداختند
کارفرما پس از صدور حکم از طرف
شورای کارگاه استان گیلان، مبنی بر
لزوم پرداخت مبلغ ۲۷۶۰۰ ریال سه
هریک، از کارگران، پس از پرداخت
مبلغ فوق، بلافاصله آنان را اخراج کرد.
این عمل غیرقانونی کارفرمای
خاطی، بی درنگ با اعتراض کارگران
مواجه شد و متعاقب آن، موضوع اعتراضی

توسط هیئت حل اختلاف شورای کارگاه
مورد بررسی قرار گرفت. شورای نامبرده
در تاریخ ۵۹/۶/۱۵، برای هریک از
کارگران اخراجی مالی را تعیین کرد،
که می بایستی از جانب کارفرما پرداخت
می شد. مبالغ قابل پرداخت تعیین
شده، باید بابت سنوات خدمت،
خسارت اخراج، مابه التفاوت دستمزد،
مرد مرخصی استحقاقی، کمک هزینه
سکنی و حواریار ایام خدمت، پرداخت
شود.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۱ این مسئله
به تأیید هیئت حل اختلاف رسیدنی
رسماً از طرف مدیرکل اداره کار و امور
اجتماعی استان قطعی و لازم الاجرا
تخصیص داده شد. ولی کارفرما از
پرداخت مبالغ تعیین شده سر باز زد و
حکم صادره را فاقد صلاحیت اعلام
کرد. او وقتی که با توضیح منطقی کار-
گران مبنی بر قانونی بودن حکم مزبور
مواجه شد، قانون کار و حکم مزبور را
به یاد انتقاد شدید و ناسزا گرفت.
حال این سؤال برای کارگران
 مطرح است که: به چه عنوان و تحت
چه ضابطه قانونی کارفرمای مزبور از
اجرای حکم قانونی اداره کار و امور
اجتماعی سر باز می زند و در عین حال



کارفرما در مقابل حکم قانونی، به ما جواب سریلا می دهد

انقلاب شکوهمند ایران را، که ما خون
دهها هزار شهید کلگون کفن به دست
آمده است، به باد ناسزا می گیرد؟

برای آشنایی بیشتر با وضع
کارگران اخراجی پای صحبت آن ها
نشستم.

نصرت عادلی:
"میدانید که روزگار سخت است،
و من هم که پولی ندارم. از طرف دیگر
عائله ام سنگین است و همه ما با قرض
گرفتن امور خود را می گذرانیم."

امیر رفیعی:
"در مقابل حکم قانونی، باز هم
او (کارفرما) به خیال سابق به ما خواب
سریلا می دهد. نمی دانم چرا به حرف
ما رسیدگی نمی کنند؟"

ولی اله غم انگیز:
"جوانی مان را گذاشتیم و برای شو
کار کردیم. ولی حالا نا جوانمردانه
حق ما را با بیامال می کند. انقلاب باید
او را بشکند!"

محمود علی بورصفری:
"مدت بیست سال در میان گردو
غبار کج و سیمان برای این ظالم جان
کندم، تازه طلبکار هم هست. دردمان
را به که بگوییم؟"

علی اکبر فلاح مؤید دوست:
"ما چشمان به انقلاب است و
بالاخره حقمان را می گیریم."

به حاست از طرف مسئولان امر
در شهرستان قومن، از جمله دادستانی
محترم، اقدامات حادی برای احضار
حکم قانونی اداره کار بعمل آید.

با گماردن افراد انقلابی بر رأس کارخانه ها، مبارزه علیه امپریالیسم را شدت بخشیم

سازمان گسترش و نو سازی صنایع و ضرورت تحول بنیادی:

از اعضای شورای کارکنان و دوفتر آنها
هم اکنون در جبهه مشغول نبرد با
تجاوزکاران صدامی هستند.

۳- ایفاء عناصر طاغوتی و دادن
پست های حساس به آنها،

۴- به کارگزاران شخصی هندی-
الاصل، که اخیراً به تابعیت ایران درآمده
است و وضع کاملاً مشکوکی دارد.

اجرای چنین اعمالی از جانب برخی
از دست اندرکاران، نشان دهنده آنست
که گروهی آگاهانه مصمم هستند که سازمان

گسترش و نو سازی صنایع ایران را به سمت
سابق سوق دهند و سعی آنها بر اینست تا
عوامل رژیم سابق را به کار ایفاء کنند.

مسئولان امر باید در انتخاب افراد
برای پست های حساسی چون مدیریت
عامل کارخانه ها، منتهای دقت و احتیاط
لازم را بعمل آورند، تا مراکز تولیدی
کشور همگام با انقلاب در مبارزه با تحریم
اقتصادی امپریالیست ها به پیروزی های
هر چه بیشتری دست یابند.

برای کمک به جبهه، جمع آوری کمک های
جنسی و دارو برای جنگ زدگان و مادام
کردن گروه های دیگر برای اعزام به
جبهه های جنگ و بطور کلی انجام اقداماتی

در جهت متحد کردن کارمندان و کارگران
در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، از
اقداماتی بود که توسط شورا انجام شد.

۱- ایل آبان ماه ۹۹ همدیر عامل جدیدی
به کارخانه ایرالکو اعزام شد. او در بدو
ورود به کارخانه، شورا و بسیج را متحله
اعلام کرد و وعده های از کارکنان کارخانه
مورد تفتیش عقاید قرار گرفتند.

۲- در شرایط بحرانی کنونی، که کشور
ما در پشت جبهه به اتحاد و همبستگی
و تولید هر چه بیشتری احتیاج دارد،
اعمال مدیر عامل کارخانه ایرالکو در جهت
خلاف این امر است. مدیر عامل جدید،
از جمله دست به اقدامات زیر زده است:

۱- اخراج دو نفر از کارکنان،
۲- بحال تطبیق درآمد کارکنان
تن از کارکنان کارخانه، که پنج تن آنها

جریان انقلاب و بنا بر ضرورت جامعه
نویس بوجود آمده بودند. با از بین بردن
شوراها، اتحادی های کارمندان و شوراهای
کارکنان کارخانه های مختلف تشکیل شده
بودند منحل شد.

۳- با انحلال شوراها، عملاً با
اصل ۲۶ قانون اساسی مخالفت بعمل
آمد. حتی ضوابط انتخاب انجمن اسلامی
نیز بر معیار انقلابی و اسلامی متکی نبود.

به این ترتیب برخی از عناصر فرصت
طلب و مشکوک هم در این انجمن هار سوخ
کردند.

۴- در پی اجرای هدف های بالا
کارخانه ماشین سازی اراک و مدیریت
عامل آن، که از طرفداران مخالفتی با شورا
بود، مورد هدف قرار گرفتند و با توسل
به انواع دیسبها، مدیر عامل کارخانه
اخراج شد. سپس اعضا شورا، که با اخراج
بدون دلیل مدیر عامل مخالفت ورزیده
بودند، مجبور به استعفا شدند.

بدین ترتیب شورای کارخانه
ماشین سازی اراک که قوی ترین شورادر
محل بود، با شکست مواجه شد.

در پی اجرای هدف های بالا
کارخانه دیگری که هدف قرار گرفت
کارخانه ریالکو است. شورای کارخانه
ریالکو از بدو تاسیس خود بیوسته ساز
منافع انقلاب و مستضعفین بطور پیگیر
حمایت کرده است. شورای کارخانه
از بدو تاسیس خود، تصفیه عوامل رژیم
سابق و عناصر ضد انقلابی و کارکنان را در
دستور کار خود قرار داد.

حدود سه ماه، کارخانه ریالکو
توسط گروه های سرپرستی اداره میشد،
تا اینکه مدیر عامل جدیدی از طرف سازمان
گسترش به این کارخانه اعزام شد.
کارگران از بدو بدین مدیر عامل جدید
خودداری کردند پس از حدود یک ماهه در-
گیری، مدیر عامل مجبور به استعفا شد.
پس از آن حدود سه ماه کارخانه بدون
مدیر عامل و توسط شورا اداره شد. شورا،
در طول آن سماه، اقدامات مفیدی در
جهت هدف های انقلاب و حمایت از رهبری
امام خمینی انجام داد. تشکیل ستاد
بسیج، تعلیم نظامی کارکنان، اعزام
بسیج و سه نفر به جبهه که دوفتر آنها
از اعضا شورا هستند تبلیغ در جهت
بسیج مردم کمک به جنگ زدگان خوزستان
جمع آوری مبلغ دوست و ده هزار ریال

در زمان حکومت رژیم سابق،
شرکت هایی در ایران ایجاد میشد که
اغلب مقرون به صرفه نبودند. به
عنوان نمونه می توان از شرکت ریالکو
نام برد، که بعلت مصرف زیاد از حد
برق و ایجاد مسمومیت در محیط کاری
و آلوده کردن محیط زیست، حتی
کشورهای "جهان سوم" هم از ایجاد
این گونه شرکتها خودداری میکنند.

نمونه دیگری آن شرکت هیگوست
که به حرات می توان گفت که ۹۹٪
محصولات آن در خارج از کشور سونتاژ
میشد، سرمایه داران وابسته ما شین آلات
وارد می کنند. ماشین های جاده سازی
و ساختمانی را فقط با رنگ آمیزی به
فروش می رسانند.

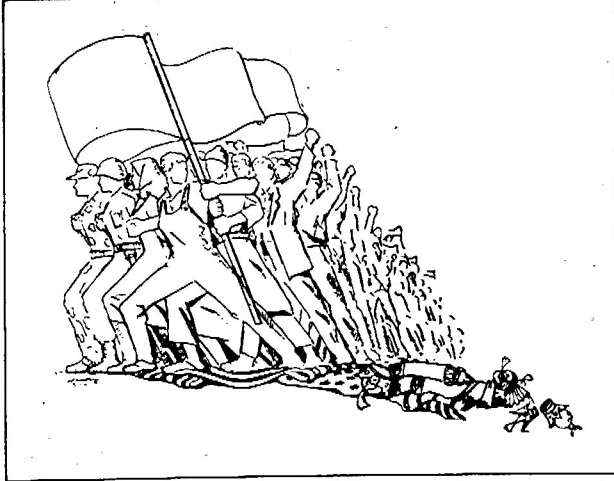
شرکت هایی چون ماشین سازی اراک،
تراکتور سازی تبریز، ماشین سازی تبریز،
که به عنوان صنایع تولید کننده ابزار
تولید با همکاری کشورهای سوسیالیستی
در ایران ایجاد شده بود، به علت وابستگی
سیاسی و اقتصادی ایران به امپریالیسم،
کم کم از مسیر اصلی خود منحرف و به
صنایع مونتاژ کشورهای امپریالیستی
تبدیل می شدند، مانند: مونتاژ جوتقال

پیون و P-H در ماشین سازی اراک و
مونتاژ پمپ های انگلیسی در ماشین سازی
تبریز. همچنین حدود ۷۰ الی ۸۰ شرکت
بزرگ و کوچک مشاوره و نظارت و
بیمه کاری جهت بکارگاردن فرزندان
انادی امپریالیسم در رأس آنها که
میتوان گفت تیول جدیدی برای وابستگی
امپریالیسم به حساب می آمدند تاسیس
شدند.

تحولاتی که در سازمان گسترش
صنایع پس از پیروزی انقلاب صورت
گرفته، متأسفانه با نیازهای جامعه انقلابی
ایران همساز نبود. بنا بر این
سازمان مذکور باید باز سازی شود و تحول
بنیادی و اساسی در آن صورت پذیرد،
تا بتواند نیازهای جامعه انقلابی ما را
برآورده سازد.

پس از سقوط دولت "کام به کام"
هشت جدیدی برای اداره امور گسترش
صنایع انتخاب شد. این گروه متأسفانه
اهداف گروه قبلی را دنبال می کند و تا
بجای کوچکترین قدمی در راه بر آوردن
نیازهای انقلاب بر نداشتن است. اهداف
مورد نظر آنها از جمله عبارتند از:

۱- از بین بردن شوراها، که در



پس از خدا فطی ما کارگران
کارگاه را ترک کردیم. به امید
اینکه سها های انقلابی هر چه
زودتر به خواست کارگران عزیز
میهن مان، که با فدا کاری جرج-
های تولیدی کشور را می گردانند،
جهت آموزش نظامی یا خدمت
دهند.

بای صحبت رحمتگان

مواد اولیه...

جنگ و آموزش نظامی کارگران کارگاه تراشکاری «مهرنیا» در انتظار فراگیری فنون نظامی هستند

کارگاه تراشکاری «مهرنیا»
در خیابان کارگر (تهران) قرار
دارد و حدود بیست و پنج نفر کارگر
در آن کار می کنند. همه کارگران
لباس کار را دارند و وسایل
ایمنی چون دستکش، ماسک دهان
و بینی برخوردارند. برای اطلاع
از وضع کارگاه، با یکی از
کارکنان کارگاه گفتگو
نشدیم. او گفت:

"مواد اولیه مورد نیاز ما
برای تولید ما شین آلات صنعتی
عبا رتند از آهن آلات چیدن،
ورق و فلز. ناگفته نماند که در
گذشته با یک تلفن می توانستیم
همه این مواد را تهیه کنیم، ولی
حالا بعلت احتکار سرمایه داران
بزرگ، باید مدت ها دنبال مواد
برویم. تا بالاخره آنها را به
قیمتی گران تر از سابق بدست
آوریم. تقاضای ما از دولت
اینست که ریشه احتکار را، که
مسئله بدست سرمایه داران بزرگ
است، بیابا و فروش مواد اولیه
را تحت کنترل خود درآورد."

آنگاه با یکی از کارگران
گفتگو کردیم. او گفت:

"من ما هانه مبلغ ۲۸۵۰
ریال حقوق دریافت می کنم. ما
هر روز هشت ساعت و نیم کار
می کنیم و نیم ساعت هم برای صرف
نهار استراحت داریم. برای
رسیدگی به کارهایمان نماینده
ای انتخاب کرده ایم، که رابط
ما کارگران با دولت است."

او در مورد جنگ تجاویز کارگاه
رژیم صدام علیه ایران گفت:

"هما نظوری که همه میدانیم
این جنگ، جنگ تحمیلی است
که عراق به کمک آمریکا به ما
تحمیل کرده است. ما نیز چون
دیگر برادران و خواهرانمان
کمی تو انیم در جبهه جنگ
حاضریم، لاکل در پشت جبهه
از هر کمکی که از دستمان بر-
آید کوتاهی نخواهیم کرد. ما
واریز کرده ایم و بعد از این هم
اینکار را ادامه خواهیم داد."

او در مورد لزوم فراگیری
فنون نظامی اظهار داشت:

"مدتها پیش توسط نماینده
خود از مسئولین امر تقاضا
کردیم که در همین محوطه کارگاه
به ما آموزش نظامی بدهند، ولی
تا کنون به این پیشنهاد ما
پاسخ مثبت داده نشده است.

هم اکنون دوتن از کارکنان
منقضی خدمت ۵۶ درجه نبرد
هستند. ما هم می دوا ریم هر چه
زودتر آموزش نظامی ببینیم
و هرگاه ما مدسور بفر ما بند،
به جبهه اعزام شویم. کارگران
این کارگاه همگی پیرو خرد
امام خمینی و روحانیت مبارز
هستند. خود من تا چندین پیش
برخی از شهاده در کمیته منقطع
دوازده تنگه تی می دادم."

بقیه از صفحه ۱

بند «ج»، بزرگ مالکان و ضد انقلاب

با تعویق بند «ج»، بزرگ مالکان و فئودالها و خوانین چنان بال و پر گرفتند که همچو لشکرکشی، ساکشان و جفاکاران و جنگداران خود، به دهات سرازیر شدند. آنان دهقانان حق طلب را در خراسان حلق آویز کردند، در خوزستان بگلوله بستند و در نزدیکی تهران با چاقو کشتند. اربابان نه فقط قوانین جمهوری اسلامی ایران و مسئولان دولتی و نمایندگان انقلابی را نادیده گرفتند، بلکه جهانبگویی در این کشور انقلابی رخ نداده، با چنان که گویی انقلاب دیگر قطعا به شکست کشانده شده و توطئه آمریکا پیروز شده، وارد میدان شدند. آمریکا پیروز شد، اعضای قهرمان جهاد سازندگی، سیاه پادشاهان و افراد هیئت های هفت نفری به خاک افتاد. چه بسا زمین های وسیع بدون کشت باقی ماند. چه بسا دهقانان که از زمین ها رانده شدند، خوانین فراری دوباره به «املاک» بازگشتند. «شوراهای بزرگ مالکان، ساختن» ایزدی - «شهرود مفید آمریکا» - دوباره به تشکیل جلسه پرداختند. افعی ها جان گرفتند و دندان نشان دادند. اربابان از طریق مخالفت با کشت یا کشت ناگافی و تصفی، یکی از جدی ترین خرابکاری های اقتصادی را - که اثرات شومش تازه بعدها معلوم خواهد شد - به عمل آوردند. اربابان با سوءاستفاده از تعویق موقت بند های «ج» و «د» جای پای خود را محکم کردند. توطئهای خود را علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان دادند، در مناطق مختلف تشنج آوردند، ارتباطات و نفوذ قدیمی خود را بکار گرفتند. تخریب در انقلاب و تضعیف ارگان های انقلابی هدف آنان بود. آن ها در یک دست تفنگ گرفتند و در دست دیگر فتوی روحانی نمایانی را، که مخالف با اصلاحات ارضی و اجرای قانون، مخالف با روح انسانی و مردمی اسلام راستین است، به پیش بردند. در شرایط بسیار حساس جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، تعویق بند «ج» را بزرگ مالکان به مناسبت ترین وسیله برای اجرای توطئهای آمریکا به براندازی و ایجاد اشکالات فرایند برای جمهوری اسلامی و ناراضی کردن مردم بدل کردند. در حالی که دشمن از خود حمله می برد و بر سینها پاداران و ارتشیان مدافع میهن انقلابی ما آتش می باریدند، آن ها از داخل به پشت جبهه پورش بردند و از پشت خنجر زدند. در حالی که آمریکا با محاصره اقتصادی می کوشید ما را با اینان از داخل به خرابکاری پرداختند تا هرچه کمتر تولید شود و با انواع دسایس اقتصادی و حمله های تبلیغاتی و تبلیه سازی ها، مانع از رشد تولید و کسب محصول کافی شدند.

تنها راه و قاطع ترین راه برای جلوگیری از این همه تشنجات و تضییقات، از این همه خرابکاری و اعمال فشار ضد انقلابی است که، هر چه زودتر آغاز شود و قانون تمام و کمال نفوی طبق وظایفی که قانون و آئین - نامه اجرایی آن تعیین کرده، بادیست باز و اختیارات کافی و کامل و با پشتیبانی همه نهادهای انقلابی و ارگان های دولتی شروع به عمل کنند.

بند «ج»، دهقانان و انقلاب

به دنبال تعویق بند «ج»، دهقانان زحمتکش زیر انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و حتی مسلحانه قرار گرفتند. مقامات مسئول نمی توانستند ندانند، با نسبت به این واقعیت بی اعتنا باشند که، تعویق بند «ج» یاس فراوان در روستاها آفرید، امیدهای بسیاری را متزلزل کرد، منجر به دلسرزیها و سرخوردگی ها شد، و این جزئیتهای که چون زهرمیکه انقلاب را دچار مخاطره می کند. خود بزرگ مالکان و عمال آنها، اعم از مبارزان شناخته شده یا وابستگان چپ ناسی



ناشناخته، از تعویق اجرای بند «ج» استفاده کردند، تا چنین به دهقانان القا کنند که، جمهوری اسلامی از دادن زمین سرمنظر کرده است و نظام بزرگ مالکی حفظ خواهد شد و زور اربابان و روحانیون و لیبرال های طرفدار آن ها بر نیروی انقلاب پیروز و روحانیت متعبد پیرو خط امام پیروز است و دهقانان دیگر نباید از این رژیم انتظار عمل جدی و موثری در زمینه حل مسئله مالکیت ارضی و امید گرفتن زمین را داشته باشند.

این وضع، اگر هر چه زودتر و صریح تر و قاطع تر پایان پذیرد، موجب تضعیف و تخریب یکی از جدی ترین پایگاه های انقلاب خواهد شد. انقلاب بزرگ ما به نیروی حمایت و مشارکت توده میلیونی مردم، زنده و پایدار و پیروز است. دهقانان زحمتکش با تمام قدرت خود در انقلاب سهیم بوده اند و امام خمینی بارها بر نقش آن ها تکیه داشته و انقلاب را متعلق به آن ها نیز دانسته اند.

دهقانان تهیدست حق مسلم خود، خواست حیاتی و مبرم خود و دستاورد قانونی خود می دانند که زمین های زراعی از بزرگ مالکان گرفته شود و به آنها واگذار گردد. اظهار نظر معتبرترین فقها و نظریات آیات عظام - که از زهر و عاقل السلاطین نیستند، مرتجع و قشری نیستند و به خط امام خمینی دل بسته اند - نشان می دهد که این حق مسلم و قانونی و حیاتی، در عین حال کاملا شرعی نیز هست، یعنی ایادی روحانی و کارکنان و سنگ اندازی های روحانی نمایان وابسته به بزرگ مالکان وارد نیست. این توده عظیم دهقانی، این پشتوانه نیرومند انقلاب را نمی توان دلسرد کرد و از انقلاب ناامید ساخت. مشارکت فعال آن ها در امور کشوری و حضور آن ها در صحنه تعیین سرنوشت می طلبد که حتما و حتما، ابتدایی ترین و مسلم ترین حق آن ها به رسمیت شناخته شود و قانون، در عمل و بطور کامل، پیاده گردد.

نهادهای انقلابی کشور ما بدان علت منشاء این همه خدمات پر شمر شده اند و از این همه حیثیت و اعتبار برخوردارند که از جمله توده دهقانان متکی هستند و به منافع حیاتی آن ها خدمت می کنند. اگر آن روز نباید اعتماد دهقانان به آنها و به عمل و جهت گیری آن ها طلب شود، یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ما، که همین نهادهای انقلابی برخاسته از بطن مردم و ست گیری مردمی آنهاست در معرض نابودی قرار خواهد گرفت.

مسئولین متعهد و انقلابی امور که در وزارتخانه ها و ارگان های مختلف مامور پیاده کردن برنامه های نوسازی در روستاها هستند و موظفند که مبنی انقلابی را از ریشه بازسازی کنند و کشاورزی ما را خودکفا و اقتصاد زراعی و دامی ما را سالم و مستقل و دهات ما را آباد و انسانی نمایند، بدون داشتن یک شالوده سالم و محکم اجتماعی اقتصادی قادر به هیچ کاری نخواهند شد. با مالکیت بزرگ فئودالی و سرمایه داری بر زمین، با ادامه استمرار دهقانان، چنین شالوده ای البته به وجود نخواهد آمد. تمام آرزوها، بدون اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع نقش بر آب خواهد شد و هر برنامه ای محکوم به شکست خواهد بود. مسئله مالکیت غارتگرانه بزرگ مالکی - اعم از فئودالی، خان خانی یا سرمایه داری - بر زمین و وسایل تولید کشاورزی، باید بطور قطع و کامل و هر چه سریعتر حل شود.

یگانه راه و مطمئن ترین راه حفظ حمایت دهقانان زحمتکش از انقلاب

- خواست عمومی و حقه ملیونها دهقان زحمتکش را بر آورده می سازد.
- جلوگیری و غارت خوانین و عمده مالکین قلدر را می گیرد.
- یکی از پایگاه های اصلی آمریکا و توطئه های آنرا از بین می برد.
- دست مسئولان متعهد را در اجرای برنامه های نوسازی کشور باز می کند.
- اصلاحات ارضی واقعی را وارد مرحله اعتلای جدید می کند و به دوران نشیب و عقب نشینی انقلاب پایان می دهد.

مشارکت آنها در اداره امور جمهوری اسلامی ایران، تنها راه تحکیم نهاد های انقلابی و تکیه بر نقش فرایند آن ها در نوسازی کشور و تقویت اجرای برنامه های ضروری اعتلای کشاورزی و آماده ساختن زمینه برای فعالیت همه مسئولان متعهد انقلابی آن است که هر چه زودتر اجرای بند «ج» آغاز شود یعنی کلیه اراضی دایر و بایر بزرگ مالکی مشمول قانون قرار گیرد و کلیه دهقانان از ثمرات عدالت و رسیدن حق به حق دار برخوردار گردند.

ضرورت اجرای فوری بند «ج»

هم اکنون اجرای بند «ج» به یک ضرورت ناخبرناپذیر انقلاب و به شرط نردید ناپذیر گسترش و تعمیق آن بدل شده است.

شما نگاه کنید به دهات کشور: از همما فریاد دهقانان بلند می شود، طومارها نوشته و نامه ها می شود، گروه گروه نمایندگان دهقانان به نزد آیت الله منتظری و مجلس شورای اسلامی ایران و نمایندگان مجلس هر ناحیه و نهادهای فرمانداری ها و انجمنه و به روزنامه های کشور می روند. همه یک چیز می گویند و یک چیز می خواهند: بند «ج» اجرا شود، قانون تمام و کمال پیاده شود و هیئت های هفت نفری هر چه زودتر شروع به کار کنند.

این اقدامات باید وسعت و زرفای هر چه بیشتری باید و مشارکت و فعالیت دهقانان را تا کمیدی تردید آنها را و حق طلبی مصرانه آنان را منعکس کند.

شما نگاه کنید به نهادهای

انقلابی: سیاه پاداران در نهادهای مختلف، علی رغم آنکه شرس می از نیروی قهرمان خود را به جبهه جنگ کسب داشته، چون می خواهد پاسدار انقلاب باشد، هم اکنون در روستاهای ما رودر روی توطئهای بزرگ مالکان قرار گرفته و می بیند که متضاد پشیمانان در دهات، بیل به دستان زحمتکش هستند، از این رو سیاهی گوید و مسلما قوی تر خواهد گفت که: بند «ج» را اجرا کنید و انقلاب را نجات دهید. جهاد سازندگی، که می خواهد از ریشه همه چیز را برویاند و زندگی انسانی و سر بلند را برای دهقانان به ارفغان آورد، در عمل می بیند که اولین مانع او نظام بزرگ مالکی است و تا این مانع برداشته نشده، همه تلاش های او بی فایده است و همه فداکاری هایش رنگ و روغنی خواهد بود بر یک بنای ویران. از این رو جهاد از ته قلب می نرود و «نیرومند تر خواهد گفت که: بند «ج» را عملی سازید، تا انقلاب را پیرومند کنید. هیئت های هفت نفری، که مامورند که حق مسلم و قانونی و شرعی و حیاتی را بر آورده سازند و توده های از حلقوم بزرگ مالکان نمره دسترنج میلیون ها دهقان ستمدیده را به بیرون بکشند، می دانند که، به گفته امام خمینی: «ما نه طرفدار فئودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه دارها».

از این رو هیئت ها با تمام وجود می گویند و باید رساتر هم بگویند: بند «ج» را اجرا کنید و بساط غارتگری غیر انسانی، فساد و زورگویی بساور - نردنی را، که ما خود در دهات به چشم دیده ایم، برچینید.

شما نگاه کنید به دولتسازان

صاحب مسئولیت، وزیر متعهد، استاد زمین و حاکم شرع آن، ارگانهای اجرایی دلسوز و درد آشنا و آن نمایندگان مجلس، که با مردم زحمتکش حوزه انتخابیه خود پیوند دارند و می خواهند در واقع هم در ایران انقلابی، دولتی بسازند بجز دولت زمان ستم

شاهی: اینان که به بن خود زمامداران دوران طاغوت فرق اساسی می بینند، بدگرددند که تا زمین را به بیل - درک ها دهند و تا حق مال بیهل - بدستان نباشد، نمی توان کشاورزی نو را بر شالوده نو استوار کرد. اینان می بردارند که بعد از تعویق بند «ج» به مشکلات و مسائل بسیار در روستاها به وجود آمده است و همه می گویند و باید هم قاطع تر بگویند که: بند «ج» را اجرا کنید، قانون انقلاب را آورده کشور را نجات دهید.

شما نگاه کنید به روحانیون پیرو

خط امام، به آن مراجع تقلید مردمی و آیات عظام مترقی و فقیهای معتبر، که گوهر اصل اسلام را تشخیص داده اند و در تار و پود طاغوت زدگی و بنسنگی سلاطین و ملاکین گرفتار نشده اند و خرقای مستوجب آتش ندارند. اینان با قدرت و صراحت در برابر عوام فریبی ها و قشری گری های مثنی روحانی نمای ظاهر ساز و صادر کنندگان فتوای های ظرافتی و تفرقه افکنانه، که بر مردم راه مقاومت و کارکنی در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران تحریک میکنند، می ایستند. اینان می دانند که اجرای عدالت و دادن حق به حق دار و کوتاه کردن دست غاصبین و متصرفان عدوانی و سندسازان از زمین مزروعی، خلاف شرع نیست و هیچ مالکیتی غیر مشروط و غیر محدود نیست. اینان بر عکس، معتقدند که برای شناساندن سیمای واقعی اسلام، نباید جانب مستکبران را گرفت و از جانب آمریکا بازی خورد و عروسک اربابان شد. آنها می گویند و مسلما هر چه بیشتر خواهند گفت که: بند «ج» را اجرا کنید، زمین ها را به دهقانان مستضعف، به زارعین، که زمین را باور می کنند و وارثین خاک هستند، بدهید.

آری، اجرای بند «ج» فوریت و ضرورت حیاتی دارد و جامعه ما دیگر این واقعیت را نمی داند و بیان می کند. اجرای بند «ج» برای غلبه بر جنگ عدالانه بر ضد تجاوز آمریکا، برای جلوگیری از توطئهای آمریکا، برای درهم شکستن پایگاه ارتجاع و امپریالیسم، برای جلوگیری از خرابکاری ها در احیا اقتصادی، برای ایجاد کشاورزی شکوفان و خودکفا، برای تقویت پایه های انقلاب، برای استقرار حاکمیت مردم و احقاق حق مستضعفین، برای عدالت و حقانیت و قانونیت و انسانیت، ضرورت فوری دارد.

بند های «ج» و «د» گلوگاه قانون اصلاحات ارضی است، شره - حیاتی مسئله واگذاری زمین است، نکته گریه درالقای بزرگ مالکی است. بدون آن، قانون عبارت می شود از یک مسئله فنی عادی مربوط به احیای اساسی موات، بدون آن، هیچ مسئله سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که کشور حل نمی شود. بدون آن، یکی از حیاتی ترین مسائل مربوط به سرنوشت انقلاب لاینحل می ماند.

از این روست که بر بند «ج» تکیه می شود. از این روست که همه نیروها باید بسیج شود تا بند «ج» اجرا گردد، یعنی قانون تمام و کمال پیاده شود و هیئت های هفت نفری با تمام اقتدار و اختیار، وظیفه خنجر انقلابی خویش را به انجام رسانند.

همه نیروها باید بسیج شود

برای رسیدن به این هدف فوری و ضروری و اجرای هر چه زودتر بند «ج»، حالا که دیگر حدت و ضرورت و اهمیت مسئله بیش از هر وقت دیگر روشن شده است، همه کس باید برای حل آن فعالانه مشارکت کند و همه

نیروی خود را در این راه بسیج نماید. در برابر اعمال فشارها و تضییقاتی که بزرگ مالکان وارد کردند، و متناقضانه موفق شدند که بند «ج» را موقتا معوق سازند، باید آن نیروی واقعی اجتماعی را، که صدا بلندی می کند و حق می طلبد و از انقلاب دفاع میکند و متحد و بسیج کرد.

ضد انقلاب نیروی خود را بسیج کرد و فشار وارد آورد. انقلاب نیز باید نیروی خود را بسیج کند و فشار او را خنثی کند.

بزرگ مالکان، بانکیه رلیبرال - ها و روحانی نمایان و خرابکاران و جفاکاران خود، یک نیروی اجتماعی ضد انقلابی به میدان آوردند. باید یک نیروی اجتماعی انقلابی را، که توانایی داشته باشد با دسایس و ترفندهای بزرگ مالکان مقابله کند، به هموردی افرستد، یکصد و متحد، او را شکست داد.

اربابان و عمالشان انقلاب را دچار عقب نشینی ساختند و اصلاحات ارضی را به تشنجات کشاندند. حالا دیگر وقت آنست که انقلاب حمله متقابل را انجام دهد، به عقب نشینی پایان دهد، بند «ج» را از بند براندازد. دوران فراز و اعتلای توفیق را بوجود آورد و برای همیشه به عمر منحوس نظام ارتجاعی و استکباری و استعماری بزرگ مالکی خاتمه بخشد.

جمهوری بزرگی برای انقلاب! عنصر اصلی و محور فعال این نیروی اجتماعی انقلابی خود دهقانان هستند. انقلابیون باید به این نکته اساسی توجه داشته باشند. دهقانان زحمتکش مدتی است که با نامه های بارها ماضی انکسنت، با طومارهای بسیار با هزار نامی نمایندگان به مجلس شورای اسلامی و مقامات مسئول و به دفاتر آنها و اشعه جمعه، به نمایندگان مجلس هر ناحیه و به مسئولان محلی وارد میدان شده اند. حضور آنها در صحنه نبرد، باید با مشارکت گردانهای تازه تری تقویت شود. باید این بانگ حق طلبی هر چه بیشتر طنین افکن شود. همه طرفداران حق و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باید بدانند و حس کنند که چه نیروی عظیمی پشتیبان آنهاست و از اجرای قانون و بند «ج» حمایت میکند.

در ضمن همه مخالفان حق و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دبستانها و بزرگ مالکی و نظام طاغوت زده، باید بشنوند و حس کنند که چه طوفان عظیمی در کنار آنها میغرد و اجازه حق کشتی و شناختن ابر ضد انقلابی و ضد خلقی را نخواهد داد. دوست دشمن باید بدانند که میلیونها دهقان زحمتکش تا ظرفیت تمام این مرکز نیستند، بلکه شرکت کننده فعال و آشتی ناپذیر این صحنه نبرد اجتماعی و انقلابی هستند.

همه انقلابیون، در هر جا که هستند و هر مسئولیتی که دارند و هر شغل و کاری که می کنند و هر مسلک و عقیده ای که دارند، اگر انقلابی واقعی هستند و در مقابل سرنوشت مردم خود را متعهد میدانند، باید هر گامی که از دشمنان برمی آید، انجام دهند. تادهقان را هر چه بیشتر و وسیعتر بسیج کنند و خواست آنها را بصورت نیروی اجتماعی حق طلبانه ای، که قادر خواهد بود در برابر نیروی انحلال و اعمال فشار بزرگ مالکان قد علم کند، سازمان دهند و متحلی سازند.

از همه جا تلگرافها و نامه ها و طومارها و نمایندگان متواضع و بیادب بیاگر سهم بزرگ دهقانان زحمتکش در انقلاب باشند باز دیگر، دو سه سال بقصد درمقدور



اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی اجرا کنید!

روزنامه «انقلاب اسلامی» شماره مورخ ۶ اسفند خود نوشته است که:

آیت‌الله ربانی شیرازی، عضو شورای نگهبان قانون اساسی، مدتی است در وزارت دفاع، یک سخنرانی ایراد کرده و از جمله گفته است:

«ما باید هشیار باشیم، چون اکنون گروه‌های چپ و انحرافی در قسمتهای مختلف امور دخالت میکنند و خیرهایی داریم که توده‌ها و فدائیان (اکثریت) تحت‌لوی اسلام درصدد ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی‌مان هستند.»

(«انقلاب اسلامی»، ۶ اسفند ۵۹)

این عبارت را تنها روزنامه «انقلاب اسلامی» منتشر ساخته است. اگرچه در این روزنامه سوابق تحریف قایتویو تحریک بمنظور نقایقنی بسیار دیده شده است؛ ولی از آنجا که، تا بحال، از جانب آیت‌الله ربانی شیرازی مطالب مذکور تکذیب نشده، تذکرات چندی راضوری میدانیم.

حزب توده ایران اتهامات عنوان شده چون «دخالت در قسمتهای مختلف امور» و ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی، را قویا تکذیب میکند. بنظر ما ایراد اتهام از جانب فردی مسئولیتی چون آیت‌الله ربانی شیرازی کورطیفه نگهبانی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را برعهده دارد، باید بردلایل و شواهد مسلم و بی‌خدشه استوار باشد، که چنین دلایل و شواهدی، البته، در اظهارات ایشان وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد، وجود ندارد زیرا که اتهام

دراوج توطئه‌های آمریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی بمنظور مشهد کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ایراد اتهام به حزبی که پشتیبان صدیق و بی‌بگین انقلاب است، بدون تردید بسود انقلاب نخواهد بود. کسانیکه اینجا و آنجا اخبار دروغ و تحریک آمیز در اختیار شخصیتها و مقامات علاقمند به سرکوشت انقلاب قرار میدهند و آنها را به ناروا علیه حزب توده ایران برمی‌انگیزند، بسود مصالح جمهوری اسلامی ایران، عمل نمی‌کنند.

هشیار باشیم!

اجرای بند «ج»

بقیه از صفحه ۵

پس از پیروزی، تصمیم قاطع آنان را بدفاع از انقلاب و پیشبرد آن بهمان کنند، میتوانند و باید بدانگر آن خواست مردم و آن حق مسلم و آن دستاورد قانونی دهقانان باشند که، به حکم سه ماه تجربه تلخ، اکنون دیگر همدست اندرکاران متعدد و مسئولان انقلابی به آن معترفند و به آن تکیه میکنند و هر لحظه تاخیر را شکستی برای انقلاب و زمینه‌ای برای رشد ضدانقلاب میدانند. و آن عبارتست از:

اجرای بند «ج»!

دلها در انتظار تصمیم درست مجلس شورای اسلامی ایران است. تاکید مکرر در مکرر شده است که تصمیم به تعویق موثقی بند «ج» فقط بعلت شرایط حساس ماه آغازین جنگ و توطئه‌های دشمن خارجی و داخلی اتخاذ شده، یعنی نه به خاطر شرعی نبودن بند بوده است و نه بخاطر نقضی در قانون. نه علامت حمایتی

از غارتگران بزرگ مالک بوده است و نمشانه ترک حمایت از زحمتکشان روستاها. بند «ج» تملقی شده است و نه منحل. تعویق موثقی بوده است. و اکنون مملیونها دهقان منتظر هستند که شاهد پایان تعویق موقت باشند و آغاز فعالیت همه‌جانبه و تمام عیار هیئت‌های هفت نفی را ببینند. بار صد ها سال بهره‌کشی و زورگویی بر این انتظار سنگینی میکند.

دهقانان منتظرند با امیدی که مملیونها قلب ستمدیده را به طیش واداشتم تا با تصویب مجلس شورای اسلامی ایران، غده سرطانی مالکیت بزرگ ارضی، که شمشه غارت و ستم و فساد و حق کشی است، برکنده شود و هرچه زودتر هم برکنده شود. از اعماق کشور ما، از چهارگوشه ایران انقلابی، از میان زحمتکش - ترین مردم کشور، از بین هممهتادها و ونیروها و سازمان‌های انقلابی این بانگ بگوش میرسد:

بند «ج» را هرچه زودتر و قاطعتر اجرا کنید!

به این سخنان توجه کنید:

نشده است: خاطر جمع باشید اگر خواست دهقانان از اجرای کامل تقسیم ارضی بخصوص بند «ج» آن مورد موافقت و اجرا قرار گیرد، انقلاب به یکی از بزرگترین منابع و ذخایر خود دست خواهد یافت.

(نطق قبل از دستور جلسه ۱۷ بهمن ۵۹ - نامه «مردم» ۱۸ بهمن ۵۹)

مصطفی تبریزی نماینده مجلس:

«امیدوارم هرچه زودتر شرایط برای اجرای بند «ج» طرح واگذاری زمین، که توسط اسلام شناسانی چون آیت‌الله مشکینی امضا شده است، آماده شود. هم اکنون با توقف بند «ج» فتودالیهای شهر بجنورد برای نشان دادن زهر چشم، کشاورزی را جلودرب خانماش، حلق آویز کرده‌اند.»

(نامه «مردم»، گزارش، مجلس، ۳۰ بهمن ۵۹ صفحه ۷)

رحیم زاده عضو هیئت هفت نفی واگذاری زمین در گنبد:

«... توقف بند «ج» اشکالاتی در بعد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و روانی و عوارضی در کوتاه مدت در منطقه بوجود می آورد... عوارض اقتصادی عارتنند از کمبود تولید بعلت بلا تکلیفی مالکیت، هرج و مرج در توزیع بذر و کود و وام و تراکتور در کوتاه مدت، بیگاری شدید ناشی از وحشت مالکین در بکارگیری کارگران، تکمصولی شدن کشاورزی به دلیل کشت‌های ساده و کم زحمت (کمبود بنیه در منطقه) و بیگاری شدن کارگروها، معطل شدن خرید و فروش زمین‌های کوچک بعلت بلا تکلیفی، از بین رفتن وقت، نیرو و بودجه‌های کمکارفتناست.»

(کیهان ۱۴ بهمن ۵۹، صفحه ۵۵، نگاهی به اصلاحات ارضی...)

آقای رحیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

«از آقایان آیت اله منتظری، آیت اله مشکینی و آیت اله بهشتی بخواهیم و یا خودمان قانونی تصویب کنیم که این بند «ج» هم به مورد اجرا گذاشته شود... اگر بخواهیم اقتصاد مملکت خوب باشد، باید زمین را بدویم به بیل بدست‌ها...»

(نطق قبل از دستور جلسه ۲۸ بهمن ۵۹ - نامه «مردم» ۲۹ بهمن ۵۹)

سرگون بیست اوشانا، نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای اسلامی:

«تقسیم ارضی باور کاما و بر اساس قانونی که به تصویب شورای انقلاب رسیده است، کشاورزان را به جنان نیرویی علاقمند و پشتیبان انقلاب تبدیل خواهد نمود که تا بحال هرگز دیده شده است.»

درباره استقلال...

بقیه از صفحه ۳

وطني از اینست که دموکرات‌های انقلابی ایران، بیروان صدیق خط امام خمینی، مسلمانان راستین مبارز، با این تجربه غنی مسلح شوند و انقلاب ما آنوقت دیگر شکست ناپذیر و استقلال ما دشمنناپذیر خواهد شد.

لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی می‌کوشند به زور تکرار، این نظریه را القا کنند که: «دولت روسیه نمی‌تواند دوست ایرانی مستقل و متکی به خود و از همه مهم‌تر اسلامی باشد.»

واژه، اسلامی‌اش، که برای آقایان یک وزن شعر فرصت طلبانه است و آن‌ها کمترین اعتقادی به آن ندارند. می‌ماند بقیه جمله. آیا این عبارت چه چیزی را به یاد شما می‌آورد؟ شعار هروف «رنجبری» های آمریکایی را، که «ایرانی مستقل و متکی به خود» را نقاب سیاست‌وروشی تخریبی، استقلال- شکنانه و وابسته‌کننده قرار داده‌اند، عبارتی که در صدر نشریه «رنجبر» است و حالا زین صفحات «انقلاب اسلامی» هم شده است! «رنجبر» - های آمریکایی اینک دیگر آشکارا و بی- پرده به حمایت از لیبرال‌ها برخاسته‌اند، علیه انقلابیون راستین موضع- گیری خصمانه می‌کنند و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام را «انحصار- طلبان روسی» (!) می‌خوانند. از قلم سرمقاله نویس روزنامه «انقلاب اسلامی» عین عبارت «رنجبری» های آمریکایی، بطور «صادفی» خارج شده؟! نه! این بیوند لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها به منظور جلوگیری از تعمیق انقلاب، بسته شده است. عجیب نیست که آن‌ها، هم‌زمان، دوستی دول مستقل و ضد- امپریالیستی منطقه را همچو پتکی بر فرق خود حس می‌کنند.

ولی، علی‌رغم لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی، ما مطمئیم که صداقت انقلابیون راستین مسلمان و پیگیری آنها در نبرد علیه امپریالیسم امکان خواهد داد که آنها خود را از چنگال عقاید قشری و از قیل‌باخته شده و از بند پیشداوری‌های زاییده- تبلیغاتی دشمن نجات دهند، و بسر شالوده‌ه همین صداقت و با تجربه خود، خواهند توانست بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر (به خاطر رویدادهای توفان آسای کشورمان وحدت مسائل مطروحه در آن و سمیت امپریالیست‌های آمریکایی در تدارک توطئه‌های پیاپی) دستان واقعی انقلاب را بشناسند.

در چنین صورتی، انقلاب خواهد توانست با بهره‌گیری از نیروی دوستی و همکاری، با حفظ استقلال کامل، علیه امپریالیسم و وابستگی، پیروز- مندانه نبرد کند.

این مسئله بسیار مهم است و جهت نیست که لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی چنین همه‌جانبه و با خشم، به زور تهمت‌ها و افتراهای به کلی بی‌پایه و ساختگی بر آن‌می- تازند. بسیار مهم است، زیرا در استراتژی و تاکتیک انقلاب، تعیین متحدین و دوستان و همه نیروهایی که می‌توانند در جهت وارد کردن ضربه بر دشمن اصلی همکاری کنند و در راه رسیدن به هدف استراتژیک یاوروهم- راه و هم‌وزم باشند، یکی از نکات عمده است. انقلاب ما، اگر این مسئله مهم استراتژیک را نیز حل کند، بر توانایی خویش و قدرت تاثیر انقلابی خود در سراسر گیتی خواهد افزود.

آری، ما عمیقاً باور داریم که می‌توان و باید مستقل و غیروابسته و غیومتمند باقی ماند و دوست همه دوستان انقلاب، از جمله نیروها و کشورهای سوسیالیستی، از جمله اتحاد شوروی بود. همانطور که قذافی گفت، اسد گفت، عرفات گفت و ده‌ها رهبر نهضت‌های آزادیبخش، بر اساس تجربه خود گفته‌اند. ما تردید نداریم که همه انقلابیون صدیق به این اصل متقاعد خواهند شد، زیرا این جزو واقعیت نیست. و ما هرچه درنبرسد ضدا امپریالیستی خود بپیگری‌تر، در استقلال طلبی خود مستحکم‌تر و بیاتر و در انقلابی بودن خود صدیق‌تر باشیم، زودتر به این نتیجه خواهیم رسید، سی‌زودتر از نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر، علی‌رغم تلاش‌های مذبح‌انحالی لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی.

انقلابی بیرو خط امام را «انحصار- طلبان روسی» (!) می‌خوانند. از قلم سرمقاله نویس روزنامه «انقلاب اسلامی» عین عبارت «رنجبری» های آمریکایی، بطور «صادفی» خارج شده؟! نه! این بیوند لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها به منظور جلوگیری از تعمیق انقلاب، بسته شده است. عجیب نیست که آن‌ها، هم‌زمان، دوستی دول مستقل و ضد- امپریالیستی منطقه را همچو پتکی بر فرق خود حس می‌کنند.

ولی، علی‌رغم لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی، ما مطمئیم که صداقت انقلابیون راستین مسلمان و پیگیری آنها در نبرد علیه امپریالیسم امکان خواهد داد که آنها خود را از چنگال عقاید قشری و از قیل‌باخته شده و از بند پیشداوری‌های زاییده- تبلیغاتی دشمن نجات دهند، و بسر شالوده‌ه همین صداقت و با تجربه خود، خواهند توانست بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر (به خاطر رویدادهای توفان آسای کشورمان وحدت مسائل مطروحه در آن و سمیت امپریالیست‌های آمریکایی در تدارک توطئه‌های پیاپی) دستان واقعی انقلاب را بشناسند.

در چنین صورتی، انقلاب خواهد توانست با بهره‌گیری از نیروی دوستی و همکاری، با حفظ استقلال کامل، علیه امپریالیسم و وابستگی، پیروز- مندانه نبرد کند.

این مسئله بسیار مهم است و جهت نیست که لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی چنین همه‌جانبه و با خشم، به زور تهمت‌ها و افتراهای به کلی بی‌پایه و ساختگی بر آن‌می- تازند. بسیار مهم است، زیرا در استراتژی و تاکتیک انقلاب، تعیین متحدین و دوستان و همه نیروهایی که می‌توانند در جهت وارد کردن ضربه بر دشمن اصلی همکاری کنند و در راه رسیدن به هدف استراتژیک یاوروهم- راه و هم‌وزم باشند، یکی از نکات عمده است. انقلاب ما، اگر این مسئله مهم استراتژیک را نیز حل کند، بر توانایی خویش و قدرت تاثیر انقلابی خود در سراسر گیتی خواهد افزود.

آری، ما عمیقاً باور داریم که می‌توان و باید مستقل و غیروابسته و غیومتمند باقی ماند و دوست همه دوستان انقلاب، از جمله نیروها و کشورهای سوسیالیستی، از جمله اتحاد شوروی بود. همانطور که قذافی گفت، اسد گفت، عرفات گفت و ده‌ها رهبر نهضت‌های آزادیبخش، بر اساس تجربه خود گفته‌اند. ما تردید نداریم که همه انقلابیون صدیق به این اصل متقاعد خواهند شد، زیرا این جزو واقعیت نیست. و ما هرچه درنبرسد ضدا امپریالیستی خود بپیگری‌تر، در استقلال طلبی خود مستحکم‌تر و بیاتر و در انقلابی بودن خود صدیق‌تر باشیم، زودتر به این نتیجه خواهیم رسید، سی‌زودتر از نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر، علی‌رغم تلاش‌های مذبح‌انحالی لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی.

دو کلمه درباره میتینگ لبرال‌ها

میتینگ لبرال‌ها که صبر پنجشنبه گذشته در ورزشگاه امجدیه برگزار شد و در آن چهار لبرال شناخته شده، در برابر جمعی، به نسبت انتظارشان بی قلبی، متکثر از تمامی طرفداران (از ساواکیا گرفته تا طاقچه‌های «دینو» و «نیز» گروهی تماشاچی کجکاو، با ایراد نطق پرداخته دو واقعیت میتینگ خود افتادگی بود و لذا نیاز چندانی به افسانه هدف‌شکلی آن نظر نرساند. مضافاً به جهت آنکه اشاره کنیم تا این خودافتادگی را تکمیل کرده باشیم.

در این میتینگ هیچکدام از ناظرتین چهارگانه، نامی از آمریکا بعنوان دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نبردند و اشاراتی به توپخانه مکرر گشت و امروزه آمریکای جنایتکار که برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران طرح و اجرا کرده و می‌کند نکرده لبرال‌ها که آمریکا را نه دشمن بلکه دوستی میدانند که می‌توان نام شکوایه از طاعن‌بهرت در میان صدها گل (بوسینه امیر انقلاب) بوی قدیم داشت تا دآزادی و حقوق بشر، نوع آمریکائی را در آن

مرعات کنده در سیاست خود بگیرند کشور ما در حال جنگ است و این جنگ بتحرک آمریکا بدمت دارومستد صدام جانی بر کشور ما تحمیل شده است. اما لبرال‌ها در میتینگ دینامیکی خود این جنگ تجاویزی را نیز که توپخانه جنایتکارانه نوبتی آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، محکوم نکردند. زبان لبرال‌ها در محکوم کردن آمریکا، حتی اگر بصورت جنسی علیه کشور و انقلاب ما باشد، الکن است. لبرال‌ها در میتینگ خود از سرمایه‌داری بزرگ وابسته که هنوز پایگیا، اقتصادی بزرگی پیوسته در بازاره در اختیار دارد و متشابه گران روزقرون و غارت می‌دهد زحمتکاران کشور است ناسی نبردند. آنها میدانند که این پایگیا اقتصادی، اجناسی ضدانقلاب و جنجور است و یکم اگر باز بماند آمریکا از آن و یکم بوزنوازی لبرال ایران می‌تواند بازگردد. لبرال‌ها در میتینگ خود سخنی از بزرگمالکی و فئودالیسم در روستا، از لزوم اجرای اصلاحات ارضی نبود دهقان زحمتکش زمین و کزین بیان‌ناوردند.

لبرال‌ها می‌دانند که بزرگ مالکان و فئودال‌ها، مانند کلان سرمایه‌داران متحد آنها بر ضد متحوی صدام‌یلستری خلقی انقلاب ایرانند و آنها نمی‌خوانند و نمی‌توانند بر ضد شمشیر خون بسوزند زحمتکاران و مستضعفین، موضعگیری کنند. در عوض لبرال‌ها در میتینگ خود با خشم فلتی از احساس آشتی‌ناپذیری انقلاب یا امپریالیسم سرکردگی آمریکا، بی‌خشم ناشی از احساس صمیمیت انقلاب بر ضد کلان سرمایه‌داران و بزرگمالکان و بسود زحمتکاران و مستضعفان، بر حاکمیت انقلاب، بر دولت و مجلس شورای اسلامی تاختند. آنها در حالیکه آزادانه میتینگ تشکیل دادند، بودند و در این میتینگ داد سخن میدادند، مدعی شدند که «اختناق حاکم شده است».

آنها در پاسخ باین سؤال که آیا می‌خواهند دولت را ساقط کنند (شوالدا، خون طرح کردند)، بپرده پاسخ آری دادند. گفتند ما باین دولت... رای مخالف دادیم. این دولت سبیل و آلتخل یک

جریان سیاسی حاکم است، دآزای باید تغییر داد. آنها خشم و غضب خود را بر حزب توده ایران نیز فروریختند. آنها چشم دیدند «تودمیا» را ندارند، چونکه میدانند حزب توده ایران با نفوذ و رسوخ و یلزگشت آمریکا مخالف است، با بزرگسرمایه داری وابسته و بزرگمالکی مخالف است. خواستار صمیمیت خصیصه‌های صدام‌یلستی، ضداستبداد و خلقی انقلاب شکوه‌مند ایران، طرفدار و پشتیبان خط امام است. لبرال‌ها خواستند و نامود کنند که طرفدار آزادی و مخالف «اختناق» اند. سولی آنها طرفدار آزادی فقط برای سرمایه‌داران و مالکان، فقط برای بوزنوازی لبرال‌ها و طرفدار «اختناق» برای هر نیروی هستند که ضد امپریالیستی، استقلال‌طلب، خواستار نوسازی کشور بسود زحمتکاران و مستضعفان باشد.

لبرال‌ها از این رو با دولت مخالف و خواستار «تغییر» آند که خود قدرت را قبضه کنند. آنها خواست ریکان را می‌خواهند سخت بکشند دولت مستقل و میانه‌رو خواست ریکان را بروی کار آورند

که مقصدهای برای برقراری فاشیسم و سرکوب مخالفین است. آنها خواستار یلزگشت آمریکا بوسیله دولتی از هفت آزادی هستند. آنها که فدای انقلاب چینیان، هشتاد سه سبیل به ۹ بار غلط کردند که در انقلاب شرکت کرده‌اند، امروز دیگر به جاروهای کن ضدانقلابی به چاه‌های کن امپریالیسم به سرکردگی آمریکا تکامل یافته‌اند. لبرال‌ها در میتینگ برنامه‌های خود بقدر کافی نشان دادند که بیرون‌وجریان خط برزیسکی، و خط ریکان‌اند. ولی این خطی است شکست‌خورده که در آینده بیشتر شکست خواهد خورد. میتینگ لبرال‌ها در نهایت آزادی برگزار شد ولی جمعیت به نسبت قلبی که در این میتینگ شرکت کرد و (تغیر) از گروهی تماشاچی کجکاو، تاسی طرفداران را از ساواکیا گرفته تا طاقچه‌های «دینو» تشکیل میداد، بخواهی نشان داد که مردم انقلابی ما قریب لبرال‌ها را نمی‌خورند. آنها را شناختند و سیاست چاه‌های کن‌های ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا، محکوم به شکست محتمل است.

در حاشیه

میتینگ بیرون خط برزیسکی با عدم شرکت میلیونها نفر از توده‌های خلق، در همان محلی که سه سال پیش هواداران بختیار با شمار بختیار سنگترا نکرده جمع شده بودند، با موفقیت کامل برگزار شد. در این میتینگ عطش تکیه‌شکرت‌کنندگان همان ترکیب میتینگ پشتیبانی از بختیار بود با یک فرق:

در میتینگ سه‌سال قبل بختیار، «برنجیری‌ها» شرکت نداشتند ولی پنجشنبه گذشته آنها از ظالین اصلی بودند.

میتینگ بیرون خط برزیسکی یک فرق دیگر هم با میتینگ سلف خود داشت:

تعداد ساواکی‌ها، رنجیری‌ها و طاقچه‌ها که شرکت‌کنندگان اصلی در میتینگ بودند به اضافه عده قلبی گمراه که فکر می‌کنند لبرال‌ها ساده‌اند عمل می‌کنند نصف تعداد میتینگ قبلی بود. علتش هم روشن است چون عده زیادی از ساواکی‌ها و طاقچه‌ها برای دادام مبارزه و وطن خود آمریکا رفته‌اند. بنابراین آنچه که دیگر بزرگ بود زدن بیرون خط برزیسکی مانده بود جمعیتی نزدیک ۱۵۰۲۰ هزار نفر بود. که البته این رقم به لطف ما به این عدد رسید، وگرنه حضار محترم که با اتومبیل‌های آخرین سیستم به استادیم امجدیه تشریف‌فرما شده بودند هرچقدر هم گشاد گشاد ایستادند چن امجدیه پر نشد که نشد. روزنامه «میزان» نوشت که «قریب به یکصد هزار نفر از مردم دلیر» در میتینگ شرکت داشتند. البته ما در نظر میگیریم که همیشه امکان غلط چایی یا اشتباه شاید هم یک سفر زیادی گذاشته شده باشد و شاید هم در شماره بعد تصحیح شود و اگر چنین نباشد لایه ریزانویس «میزان» درست میزان دستش نبوده یا از کجایش ورزشگاه می‌خبر بوده‌ای، به ظن غالب اعضای خانواده‌ها و خویشان سببی و نسبی هر فرد حاضر در امجدیه را نیز در محاسبه منظور کرده است.

شمار اصلی جمعیت «آزادی» بود از لبرال‌های سخنران گرفته تا ساواکی‌ها و طاقچه‌های عزیز پر در پی در بیرون «آزادی» شمار می‌دادند. همه صحبت‌ها از اختناق و سانسور بود و این سخنان در حالی ایراد

میشد که چهار نماینده لبرال تاکنون هرچه دل بکنان خواست در مجلسی گفته‌اند. دو روزنامه ارکان دارند که در آن مستقیماً برای سرنگونی دولت تلاش می‌کنند. خبر همین میتینگان از رادیو پخش شد. در اخبار تلویزیون فیلمی از آن تماشای دادند. قبل از میتینگ با دها اتومبیل در شش می‌پرخیدند و برای میتینگ تبلیغ می‌کردند. هنگام برگزاری میتینگ هم ماورای انتظامی با گمال جدیت مراقب اوضاع بودند و نه‌تنها اجازه ندادند، بخرافه روش مرسوم روز، کسی به ساواکی‌ها و طاقچه‌های «اختناق» حمله کند بلکه اگر کسی هم صدای مخالف بلند کرد او را گرفتند و کتیبسته، براند مثل وقتس آقای بزرگان سخن می‌گفتند جوانی یک روزنامه «میزان» بلند کرد و یک پرچم آمریکا از آن بیرون کشید. در این موقع ماورای آن جوان را دستگیر کردند و در فاصله‌ای که او را از میدان خارج می‌کردند ضد چاقاداران، محرم و مترجم حسابی جوان را کتک زدند (فقط نمادند که ما اصولاً با سیاست آزادی میتینگها و آزادی بیان و اجتماعت و احزاب که در جهت تخریب مبانی انقلاب و جمهوری نباشد و کلیه آزادی‌های مخرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موافقت و مراقبتی را که از گروه‌های لبرال‌ها عمل آمد و معنای آن تسلط قانون انقلاب بود، تأیید می‌کنیم).

با اینهمه، فریاد لبرال‌ها، شرکت‌کنندگان محترم لحظه‌ای قطع نمی‌شد. و این فریاد صد البته که واقعیت داشت. هرچند میتینگ در نهایت آزادی برگزار میشد، اما سوز دل حضار از جای دیگر بود. از افق آینده‌ای که در آن آزادی، غارت، استثمار، شکنجه، عیاشی، فضاغی نباشد و از هم‌اکنون نیز آن «آزادی» مورد تهدید و تعدید قرار گرفته‌است... بله، حضار محترم دلشان برای آزادی‌های آریامری لک زده بود و این فریاد «ای‌های آزادی» از این سوز دل آب میخورد.

خانم‌ها و آقایان محترم (۱) و محترم (۲) در تمام طول میتینگ، برای گول زدن بقیه هم که باشند، تمهیا یک شمار علیه امپریالیسم آمریکا گذاشتند، بلکه حتی اسم آمریکا را هم نیاوردند. سخنران لبرال هم نه اسمی از امپریالیسم آمریکا آوردند، نه به نظرات آن اشاره کردند، نه از جنایات آن سخن گفتند و نه نام «وطن» گرمی خویش را بر زبان آوردند. (شاید

هراس لئو شدن «دکارت سبز» (بود) و بپلازه از ضد انقلاب هم یک کله حرف نزنند. کله‌های به‌توتنه‌های دشمنان انقلاب اشاره نکردند و برای رد گم کردن هم که شده سخنری از سرمایه‌داران وابسته و کلان- زمینداران هم که خون ملت را هنوز می‌کنند بریزان نیاوردند (از قدیم گفته‌اند چاقو دسته‌اش را نمی‌برد). لبرال‌های دعوت‌کننده به میتینگ آنقدر درجاسه برایشان دشمنانه و لبرال آخچان بدنام شده است، اینتال روشهای لبرال‌ها در مخالفت با تسبیق انقلاب بقدری بر ملا شده و ماهیت و هدفهای لبرال‌ها، تا آن حد بر آبرو است که بسیاری از کسانی که خود لبرال‌ها فکر می‌کنند سیاهی لشکر در امجدیه خواهند شد نیامدند. حساب‌های سران لبرال‌های دست‌آموز سرمایه‌داری و بزرگمالکی که خواستار سازش با آمریکا هستند غلط از آب درآمد.

تعداد دیگر حضار محترم دبازگان سنگرت را تکمیل‌ه بود و بقیه شعارها هم عمو به مو مطابق دستورات ریزگان بود: «یکه دولت - ملو حزب توده ایران، بالاخره این میتینگ بسیار جدی که در آن مسائل با- اهمیت! مطرح شده بود، برای اینکه ساواکی‌ها و طاقچه‌های عزیز از تقریب دور نشدند باشند با شوخی هم همراه بود. این شوخی که آن روی دیگر دستور ضدتوده‌های ارباب ریکان بود، چیزی نبود غیر از تمهیا کردن تودمیا به برهم زدن مراسم! ساواکی‌ها و رنجیری‌های حاضر که خود بهتر از هر کسی میدانند که چقدر علیه حزب توده ایران چماق کتیبسته‌اند و کتاخروش‌های حزب توده ایران در دو سال گذشته شد (به فهرست منتشره در نامه «مردم» مراجعه کنید) چه نقشی داشته‌اند. ساواکی‌ها، طاقچه‌ها و رنجیری‌ها که خویشان و دوستانشان در غارت و بستن دفاتر حزب توده ایران سهمیه بودند، و در سازمان‌دهی «چاقاداری» هواره شرکت داشته‌اند، روز پنجشنبه در حالیکه آزادانه میتینگ علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل داده بودند، سناریوی دقیق را ساخته و پرداخته بودند. نخست یک دسته اول علیه سخنرانان سر و صدا می‌کردند و سپس دسته دوم شعار می‌دادند: «مرگ بر تودمیا»، «چاقادار» - تودمیا بیوندتان مبارک! و بقیه ساواکی‌ها، طاقچه‌ها و رنجیری‌ها این شمار را با شور و هیجان تکرار می‌کردند. بعد هم از یک طرف دیگر گروهی که نقش «مخرب‌اللهی» را بازی می‌کردند، شمار می‌دادند: «لبرال، تودمیا بیوندتان مبارک!!» مقصود

از این نمایش مخرفه این بود که تودمیا با عامل بره‌زندن میتینگ نشان بدهند. بعد هم ارکان بیرون خط برزیسکی با استفاده از سناریوی خودساخته اظهار لعنه فرمودند: «آنچه گفته‌اند در فضای امجدیه به‌آیات رسید و آنچه نمی‌توانستند بگویند اغلاک‌گری تودمیا و چاقاداران به بهترین بیانی آشکار ساختند (میزان- ۹ اسفند ۵۹)

و سرانجام میتینگ جنایتکوره بیرون خط برزیسکی در استادیم امجدیه یک - بر سفر بسود مردم پایان یافت و بار دیگر معلوم شد که آقایان لبرال چه در چینه دارند و بر تمام سئوال‌های مردم از آنها دارند دیگر اضافه شده که امیواریم بیرون خط برزیسکی به آن پاسخ بدهند:

آن ۱۷۰ میلیون نفر کجا بودند؟

اگر خطرناک باشد آقای بازگان با یک و نیم میلیون رای و دیگر سخنرانان میتینگ پنجشنبه با آراه بین ۲۰۰ تا ۹۰۰ هزار به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. ما همان موقع نوشتیم که این امجدیه بزرگ، در حکام شمردن آراه اتفاق افتاده وگرنه مردم به کسانیکه با دسته‌گل معروف از شاه یسه آمریکا شکایت کرده‌اند و یا هذکار کرده‌اند، لبرال‌ها از ایران بیرون کرده‌اند. از این رای‌ها نمی‌دهند. میتینگ پنجشنبه گذشته تعداد واقعی رای‌دهندگان را نشان داد. ما از آقایان می‌درسیم اگر ۱۵۰۲۰ هزار شرکت‌کننده میتینگ مظهر شما را (با حداکثر اغماض) از یک و نیم میلیون رای کم کنیم میباید یک ملیون و چهارصد و هشتاد و اندی هزار نفر که در میتینگ حضور نداشته‌اند، ممکن است بفرمائید این رقم «تاجیز» کمبود چه شده است؟ اساساً آیا آقایان هنوز برای نمایندگی خود مشروطیتی قائل هستند و یک خواست قدیمی:

«بروتکل «براهیت» مذاکرات با برزیسکی را منتشر کنید»

در همان میتینگ دبانشکوه آقای مهندس بازگان در اشاره به ملاقات معروف با برزیسکی گفت که ما رقت مملکت را بالای از این میدانیم که به این مسائل بپردازیم و باین تریب نشان داد که ملاقات با مشاور امنیت کاتر براهیت بوده است. از آنجا که این مسئله برای ایشان کوچک و براهیت است، ما بار دیگر از ایشان می‌خواهیم پروتکل این مذاکرات را منتشر کنند و باین تریب اجازه بدهند مردم هم به براهیت بودن آن ملاقات پی ببرند!

از قطعه‌نامه کمیته...

بقیه از صفحه ۷

۶- ارگانهای مطبوعاتی و «کمیته دولتی اطلاعات، رادیو و تلویزیون» وظیفه دارند که برنامه‌های انتشاراتی و ترجمه‌خود را بمناسبت شصتمین سالگرد انقلاب خلقی جامعه‌مصلح می‌نشانند. در این زمینه، باید فعالیت‌های زحمتکاران مولولان، دستاوردهای انقلاب خلقی مولولان، کمک برادرانه اتحاد شوروی و دوستی استوار مولولان - اتحاد شوروی را هم‌چنانیه بزرگداشت.

۷- «انستیتوی تاریخ حزب، «مدرسه عالی حزب» وابسته به کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مولولان و «آکادمی علوم» وظیفه دارند که، بمناسبت شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مولولان، برگزاری

یک کنفرانس شوریک بین‌المللی در تدارک ببینند.

۸- «وزارت فرهنگ جمهوری خلق مولولان»، «کانون نویسندگان مولولان»، «اتحادیه هنرمندان»، «اتحادیه آهنگسازان مولولان»، «اتحادیه نقاشان»، «کمیته آغاز گران نبرد انقلابی» و «کمیته دولتی تربیت‌بدنی و ورزش» جمهوری خلق مولولان وظیفه دارند که به تدارک و اجرای برنامه‌های خاص جشن آیند در زمینه فرهنگ، ادبیات، هنر و ورزش بپردازند. باید به اقتضای شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مولولان آثار جدید ادبی و هنری آفرید، به تهیه نمایشنامه‌ها و فیلم‌های ویژه پرداخت و نمایشگاه‌ها و دیگر گردهمایی‌های فرهنگی - ورزشی برگزار کرد.

کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مولولان کارگران، دامداران، دهقانان،

روشنفکران زحمتکن، افرادیروهای مسلح، کمونیست‌ها و اعضای «اتحادیه جوانان»، زنان، پسران و دختران و همه زحمتکاران را فرا می‌خواند که، شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مولولان را با دستاوردهای درخشان در زمینه فعالیت خود هم‌امسازند و از ابتراه تحول مبین سوسیالیستی ما را گامی بزرگ به پیش رانند.

کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مولولان اعتقاد راسخ دارد که همه مردم مولولان، بیش از پیش، زیر پرچم حزب خود، در راه ایفای مسویات کتکره مقدم حزب انقلابی خلق مولولان، یلنوم‌های کمیته مرکزی و وظایف برنامه پنجساله کوشا، خواهند بود. و شصتمین سالگرد انقلاب خلقی را یگوانه‌ای شایسته برگزار خواهند کرد.

تقویم سال نو

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود:

★ برخورد انقلابی زحمتکاران درقبال اغصاب و وظیفه دولت (شماره ۵۰۴):

★ توپخانه‌های براندازی امپریالیسم آمریکای علیه انقلاب متوع و (هم‌چنانیه تر میشود (شماره ۵۰۵):

۱۳۶۰

بزودی منتشر میشود



اعزام پنجاه مستشار نظامی آمریکابه السالوادور

کسکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیم حاکم در السالوادور همچنان ادامه دارد. طبق گزارش روزنامه واشنگتن استارز دولت آمریکا معادل سی میلیون دلار اسلحه و مهمات و تجهیزات نظامی به رژیم السالوادور کمک میکند. علاوه بر این، یک گروه دیگر از مستشاران نظامی آمریکا به السالوادور اعزام شده اند، که در نیروی دریایی آن کشور خدمت خواهند کرد. بزودی نیز پنجاه کارشناس نظامی آمریکایی برای تشکیل گروههای ویژه سرکوب نیروهای مردمی، که علیه رژیم وابسته این کشور دست به قیام زده اند، به السالوادور اعزام خواهند شد.

در شورای وزیران سازمان وحدت افریقا

شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا در جلسه نوبتی خود که در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، تشکیل شد، مسئله لروفرخوانی جلسه فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد را جهت اتخاذ تدابیر مجازاتی علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بررسی کرد. در قطعنامه ای که در این جلسه به تصویب رسید، تأکید شده است که رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی تاکنون، برغم قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، از واگذاری استقلال به نامیبیا امتناع ورزیده است.

پشتیبانی مردم افغانستان از تشکیل

جبهه واحد ملی و میهنی

در اجتماعات و جلساتی که در شهرها و روستاهای مختلف جمهوری دمکراتیک افغانستان برگزار میشود، کارگران و دهقانان و نمایندگان روحانیون و روشنفکران پشتیبانی خود را نسبت به تشکیل جبهه واحد ملی میهنی در کشور ابراز میدارند. طی چند روز اخیر، در ایالات بلخ، پروان، زابل، لغمان و دیگر ایالات کشور، با شرکت هزاران نفر از اقشار مختلف اهالی، چنین جلساتی برگزار شده است. شرکت کنندگان در این جلسات اظهار آوازی میکنند که در فعالیت های این جبهه، کمیونیستی متحد و مقتدری برای مقابله با دستان امپریالیستی و توطئه های ضدانقلاب خواهد بود، مجدانه شرکت خواهند کرد.

افزایش محصولات کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی عضو شورای تعاون اقتصادی

طبق اطلاعاتی که از اجتهاد و جلسات که در شهرها و روستاهای مختلف جمهوری دمکراتیک افغانستان برگزار میشود، کارگران و دهقانان و نمایندگان روحانیون و روشنفکران پشتیبانی خود را نسبت به تشکیل جبهه واحد ملی میهنی در کشور ابراز میدارند. طی چند روز اخیر، در ایالات بلخ، پروان، زابل، لغمان و دیگر ایالات کشور، با شرکت هزاران نفر از اقشار مختلف اهالی، چنین جلساتی برگزار شده است. شرکت کنندگان در این جلسات اظهار آوازی میکنند که در فعالیت های این جبهه، کمیونیستی متحد و مقتدری برای مقابله با دستان امپریالیستی و توطئه های ضدانقلاب خواهد بود، مجدانه شرکت خواهند کرد.

طبق اطلاعاتی که از اجتهاد و جلسات که در شهرها و روستاهای مختلف جمهوری دمکراتیک افغانستان برگزار میشود، کارگران و دهقانان و نمایندگان روحانیون و روشنفکران پشتیبانی خود را نسبت به تشکیل جبهه واحد ملی میهنی در کشور ابراز میدارند. طی چند روز اخیر، در ایالات بلخ، پروان، زابل، لغمان و دیگر ایالات کشور، با شرکت هزاران نفر از اقشار مختلف اهالی، چنین جلساتی برگزار شده است. شرکت کنندگان در این جلسات اظهار آوازی میکنند که در فعالیت های این جبهه، کمیونیستی متحد و مقتدری برای مقابله با دستان امپریالیستی و توطئه های ضدانقلاب خواهد بود، مجدانه شرکت خواهند کرد.

نخست وزیر انگلیس - کارگزار وا شنکتن در اروپای غربی

مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلستان، در مذاکرات با ریگان، رئیس جمهور آمریکا، روابط میان دو کشور و همچنین روابط آمریکا با اروپای غربی را مورد بحث قرار داد. از جمله مسائل مورد بحث رئیس جمهور آمریکا با نخست وزیر انگلستان، اوضاع السالوادور و پشتیبانی دول غربی از رژیم حاکم در آن کشور است. روزنامه های لندن، در آستانه مسافرت تاچر به آمریکا، اظهار نظر کردند که، نخست وزیر انگلستان نقش کارگزار وا شنکتن را در اروپای غربی ایفا میکند.

یستم تیرماه سال آندمصادی خواهد بود یا شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان. این رویداد برای زحمتکشان کشورها، برای دوستان ما در خارج، به مثابه جشن پیروزی سوسیالیسم واقعی در شرایط مغولستان، پیروزی اندیشه های جاودانی مارکسیسم - لنینیسم و اترنالیسم پروتری خواهد بود.

ما بخود می یابیم که خلق مغول، پس از پیروزی انقلاب خلقی خود و غلبه بر دشواری های سهمگین، از قودالیسم به نظام سوسیالیستی فراچید و اینک برای تکمیل ساختمان سوسیالیسم در کشور میزبند. بدینسان، آرزوی پیشاهنگان انقلاب خلقی مغولستان درباره آینده ای تابناک، به حقیقت پیوسته است. راز این کامیابی را باید در رزم جانبازانه خلق مغول، برهبری پیشاهنگ آرموده آن، حزب انقلابی خلق مغولستان، و در کمکهای همه جانبه و برادرانه پشتیبانی اترنالیسم سوسیالیستی اتحاد شوروی جستجو کرد. پیروزی انقلاب خلقی دگرگونی های بنیادی را در همه گستره های زندگی اجتماعی در پی داشت. حاکمیت دولتی در دست توده های خلق تمرکز یافت، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک دامداران زحمتکشان (آراتها) استحکام پذیرفت و گام یکام به دیکتاتوری طبقه کارگر فرارزید. بدین ترتیب، پس واپس ماندگی صد ساله غلبه شد و رشته های مدرن اقتصادی جایگزین اقتصاد قبیله ای - دامداری گردید. با تکمیل روند تعاونی سازی در اقتصاد آراتی (تعاونی های امدادی) در پایان سالهای پنجاه، مناسبات تولیدات سوسیالیستی در سراسر اقتصاد ملی جمهوری خلق مغولستان پیروز شد. اصل بنیادی «از هر کسی باندازه توانایی و به هر کسی باندازه کارش» تحقق پذیرفت. جمهوری خلق مغولستان به کشوری کشاورزی - صنعتی تبدیل میشود.

گسترش صنعتی

انقلاب فرهنگی انجام پذیرفته و پیوسته تر شدن می یابد. ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم پایه استوار زندگی معنوی جامعه مغولستان را تشکیل میدهد. در روند نوسازی جامعه، حزب انقلابی خلق مغولستان، که شصتین جشن سالگرد تأسیس آن نیز در سال ۱۹۸۱ برگزار میشود، نقش تعیین کننده دارد. «حزب» که نیروی رهگشا و رهبر جامعه بشمار میرود، مستگیری اساسی تحولات جامعه را تعیین می کند و توده زحمتکشان را برای ایفای وظایف آتسی ساختمان سوسیالیسم تشکل می بخشد و بسیج می کند. «حزب» اینک یکبار خلق را در راه اجرای برنامه تکمیل برنامه سوسیالیسم در جمهوری خلق مغولستان و تبدیل آن به کشوری صنعتی - کشاورزی رهبری میکند. روند صنعتی کردن سوسیالیسم کشور ادامه می یابد. اکنون صنعت بیش از ۴۰ درصد فرآورده اجناس و متجاوز از ۲۷ درصد درآمد ملی را تأمین می سازد. تولید سوخت، انرژی، مصالح ساختمانی و معادن هر چه بیشتر رشد می یابد. بالاترین سطح تکنیک سبب میشود که کارگران در کارخانه های بزرگ مجهز به تکنیک و تکنولوژی مدرن تمرکز یابند و هسته صنعتی طبقه کارگری استحکام پذیرد.

اجرای برنامه تعاونی لینی در جمهوری خلق مغولستان به تغییرات بنیادی در زندگی زحمتکشان روستاها و سراسر جامعه انجامیده است. کشاورزی سوسیالیستی بگونه ای پیگیر گسترش می یابد. درجه تجزیه و بهره گیری تولید کشاورزی بالا میرود. اتحادیه های کشاورزی و ینگاهای دولتی، از نظر سازمانی - اقتصادی، مستحکم می شوند. با گسترش زمین های کشاورزی و توسعه تولیدی غلات، زراعت به شاخه مستقل اقتصاد ملی تبدیل می گردد. بدین ترتیب میتوان نیازمندی داخلی آرد را از منبع تولید خودی تأمین کرد. صندوق پایه

بمناسبت شصتین سالگرد پایه گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۰ اسفند ۱۳۹۹)

از: قطعنامه کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

(معادل سوسیالیستی اصطلاح سرمایه ثابت در روش تولید سرمایه داری. صندوق پایه، اجزای مانند ساختمان، ماشین آلات و تجهیزات را در بر میگیرد - مترجم) در سال ۱۹۲۹، ۴۸۴ برای ۱۹۲۹ بود. رشد و تحول سرمایه گذاری، ترابری، پست و مخابرات، فرهنگ، علم، بهداشت و آموزش بسیار رضایت بخش بوده است.

حزب انقلابی خلق مغولستان مبارزه در راه رفاه خلق و بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان را بر پایه افزایش پیگیری آآوری کار و تولید اجتماعی، همواره یکی از وظایف اساسی خود دانسته است. در کشورها اکنون در ازای هر ده هزار شهروند، ۱۰۵ تخت بیمارستان و ۲۲ پزشک وجود دارد. درآمد واقعی به نسبت ۱۹۶۰، ۱۹۹ برابر شده است. همرا با روند شتابنده جامعه نو، دمکراسی سوسیالیستی گسترش می یابد و توده های خلق هر چه بیشتر در رهبری کشور و تولید اجتماعی شرکت می کنند. مناسبات تولیدی و روش های مدیریت برنامه ریزی و تولید تکامل می یابد.

حل مسائل کلیدی

در راه اجرای قطعنامه های کنگره هفدهم حزب انقلابی خلق مغولستان پلنوم های کمیته مرکزی، رهبری «حزب» همه سازمانهای حزبی و توده ای و ارگانهای دولتی و اقتصادی را بر آن میدارد که بهره گیری تولید اجتماعی و بارآوری کار را بالا برند، کیفیت کار را بهبود بخشند، ذخیره های داخلی را بسنج کنند، اصل صرفه جویی را محترم شمرند، در میان مردم روحه کار کمونیستی را پرورش دهند و در راه کاربست تجربیات مترقی و دستاوردهای علمی - فنی در تولید کوشا باشند. مسایقه سوسیالیستی به حریت کاری آزادی، تربیت کمونیستی زحمتکشان و شکوفایی ابتکار خلاق تبدیل شده است. مصوبات پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۹۷۹) دارای اهمیت بنیادی برای تحول آینده کشور است. همچنین لازمست که مصوبات پلنوم ششم (۱۹۷۹) درباره بالا بردن سطح آموزش اقتصادی زحمتکشان بالا برد.

وجهه بین المللی حزب انقلابی خلق مغولستان

حزب انقلابی خلق مغولستان بر آنست که باید اتحاد همه نیروهای انقلابی را تحکیم بخشد. حزب انقلابی خلق مغولستان، میتواند یکی از گردانهای جنبش جهانی کمونیستی، وظیفه بنیادی خود میداند که همه کوشش خود را برای توان بخشی جامعه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد جنبش جهانی کمونیستی، پشتیبانی از نبرد انقلابی طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش ملی، بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و اترنالیسم پروتری، و مبارزه آشتی ناپذیر علیه ایدئولوژی دشمن، هر گونه شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی، ناسیونالیسم ارتجاعی

و اپورتونیسم راست و وجهه بکار برد. دیگر وظایف مهم اترنالیسم سوسیالیستی حزب انقلابی خلق مغولستان عبارتست از: افشاکاری برامان سرشت ضدمارکسیستی، ضدسوسیالیستی و ضد خلقی ماتسویسم ارتجاعی، و بیکار با میاست برتری جویانه، گسترش طلبانه و تجاوزکارانه رهبران کنونی چین - سیاستی که صلح و امنیت خلتها را به خطر می اندازد.

جمهوری خلق مغولستان، بعنوان عضو برابر حقوق جامعه کشورهای سوسیالیستی، پیوسته و پیگیر، دارای سیاست خارجی صلح جویانه بوده است. این کشور خواهان تحکیم صلح و امنیت در آسیا و سراسر جهان و توسعه همکاری میان خلقهاست. جمهوری خلق مغولستان، همرا با متحدان خویش، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، فعالانه در راه تعمیق روند قترز داری، قطع مسایقه تسلیحاتی و ادامه خلع سلاح فعالانه مبارزه میکند. در سالهای گذشته وجهه بین المللی جمهوری خلق مغولستان، همواره بالا گرفته است. این کشور، بعنوان عضو سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای مهم بین المللی، با بیش از ۹۰ کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد.

برنامه های متنوع و همه جانبه

خلق مغول، بحق، به دستاوردهای خود در گستره ساختمان جامعه ای جدید می بالد و پیگیرانه در راه اجرای مصوبات کنگره شانزدهم حزب انقلابی خلق مغولستان و وظایف برنامه پنجساله ششم میزبند. دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان وظایف زیرین را مقرر میدارد:

- ۱- حزب، مسندیکاهای اتحادیه جوانان، ارگانهای دولتی و اقتصادی و کانونهای فرهنگی به تدارک همه جانبه و شایسته جشن های شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان خواهد پرداخت.
- ۲- همه ابتکار فعالان و گروههای کار در صنعت، ساختمان، کشاورزی و دیگر شاخه های اقتصاد ملی، در راه تدارک مسایقه سوسیالیستی، با افتخار شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان، بیکار خواهند رفت. سازمانهای حزبی، مسندیکاهای اتحادیه جوانان، ارگانهای دولتی و اقتصادی و گروههای کار همه کوشش خود را برای اجرای مصوبات کنگره هفدهم حزب انقلابی خلق مغولستان، برنامه پنجساله ششم و وظایف نخستین سال برنامه پنجساله کنونی، تأمین ادامه افزایش تولید صنعتی کشاورزی، کاربست تجربیات مترقی و دستاوردهای علمی - فنی در تولید، افزایش بهره گیری و کیفیت کار و بالا بردن سطح مادی و معنوی زندگی میبند خواهند داشت. یکی از مهم ترین وظایف مسایقه تولید در آستانه جشن بزرگ ما آنست که مطالعه و کاربست تجربیات اتحاد شوروی را بهبود بخشیم.
- ۳- برای تدارک شصتین سالگرد انقلاب خلقی در همه «آبناک» (سراکن) متحرک دامداران) ها و شهرها، در وزارتخانه ها و دیگر ارگانهای دولتی، کمیسیون های ویژه ای تشکیل خواهد شد.

- ۴- بیکم برنامه های مشخص و با افتخار شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان و برگزاری هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، طرح های همه جانبه، در گستره های تبحری - تبلیغاتی و سیاسی - ایدئولوژیکی اجرا خواهد گشت.
 - ۵- کمیته های حزبی در «آبناکها» و شهرها، کمیته های اجرایی شوراها (هورال) های خلق، «کمیته آغازگران نبرد انقلابی»، کمیته مرکزی اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان و شورای مرکزی سازمان پیشاهنگان مغولستان، وظیفه دارند که به ترقین امکان تاریخی، که با بیکار انقلابی خلق مغول هیبوندند، بپردازند.
- بقیه در صفحه ۷

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز: و مدیر مسئول: مویچر یزیدی خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 456
1 March 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران